



هلپیت

ویژه مداحان

جایگاه مداحی در مجالس ذکر عزای اهل بیت علیهم السلام





استان قدس رضوی

عنوان کتاب: هیئت: ویژه مداحان، جایگاه مداحی در مجالس ذکر عزای اهل بیت (علیهم السلام)

تهیه و تدوین: اداره تولیدات فرهنگی

نویسنده: واحد پژوهش دفتر فرهنگی فخرالائمہ (ع) قم

ویراستار: زینب حسینی

صفحه آرا: محمود بازدار

ناشر: انتشارات قدس رضوی

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است.





فهرست

۹ • مقدمه

۱۲ • روایات

۱۸ • ۱. نقش و جایگاه مداحی

۱۸ • ۱-۱. جایگاه مداحی در جبهه تبلیغ دین

۱۹ • ۱-۲. انتساب به اهل بیت علیهم السلام

۲۰ • ۱-۳. اقبال عمومی به مداحان

۲۲ • ۲. سابقه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام

۲۵ • ۳. کارکردهای مداحی

۲۵ • ۳-۱. تحقق عبودیت خدا

۲۵ • ۳-۲. مطرح کردن اهل بیت علیهم السلام به عنوان الگو

۲۷ • ۳-۳. تبیین حقایق دین برای مردم

۲۸ • ۳-۴. درک پذیرکردن مفاهیم متعالی دینی

۲۹ • ۳-۵. عمق دهی به ایمان دینی مردم

۳۳ • ۳-۶. تعمیق و برافروختن محبت مردم به اهل بیت علیهم السلام

۳۴ • ۴. ارکان مداحی

۳۴ • ۴-۱. هنر

۳۵ • ۴-۱-۱. شعر

۳۸ • ۴-۱-۱-۱. لفظ

- ۳۹ ● ۲-۱-۱-۴. مضمون
- ۴۲ ● ۱-۲-۱-۱-۴. انتخاب اشعار قوی
- ۴۳ ● ۲-۲-۱-۱-۴. ایجاد فضای مناسب برای نقد اشعار
- ۴۳ ● ۳-۱-۱-۴. شاعر
- ۴۵ ● ۲-۱-۴. آهنگ
- ۴۵ ● ۱-۲-۱-۴. انتخاب یا ساخت آهنگ متناسب
- ۴۶ ● ۲-۲-۱-۴. به‌کارگیری نواهای اصیل ایرانی یا الگوگیری از سبک‌ها و آهنگ‌های غربی؟
- ۴۷ ● ۳-۱-۴. صدای خوش
- ۴۷ ● ۲-۴. تعقل
- ۴۸ ● ۳-۴. پیام دینی و معنوی
- ۴۸ ● ۱-۳-۴. منابع و سند محتوای شایسته‌ارائه
-
- ۵۰ ● ۵. مسئولیت‌های مداحان و ذاکران
- ۵۱ ● ۱-۵. وظایف شخصی مداحان
- ۵۱ ● ۱-۱-۵. تهذیب نفس
- ۵۲ ● ۲-۱-۵. زیادکردن سرمایه‌محبت خود به اهل بیت علیهم‌السلام با عمل و پیوستگی عملی با این بزرگواران
- ۵۳ ● ۳-۱-۵. شناخت نقش خود، در جنگ فرهنگی
- ۵۴ ● ۲-۵. وظایف مداحان در قبال مخاطبان
- ۵۴ ● ۱-۲-۵. افزایش ایمان مخاطب
- ۵۴ ● ۲-۲-۵. شکرگزاری به‌خاطر نعمت تولد اهل بیت علیهم‌السلام
- ۵۵ ● ۳-۲-۵. پرکردن خلأهای معرفتی اخلاقی و سیاسی اجتماعی جوانان
- ۵۵ ● ۴-۲-۵. اکتفانکردن به اظهار ارادت به اهل بیت علیهم‌السلام و درس گرفتن از آن بزرگواران
- ۵۸ ● ۵-۲-۵. تقویت و جهت‌دهی عواطف عمومی به‌سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام
- ۵۸ ● ۶-۲-۵. ارائه محتوای پر مغز در همه مجالس
- ۵۹ ● ۱-۶-۲-۵. بیان معارف دینی
- ۵۹ ● ۲-۶-۲-۵. توجه و بیان نیاز زمان
- ۶۰ ● ۳-۶-۲-۵. اختصاص بخشی از اشعار به توصیه‌های اخلاقی
- ۶۱ ● ۴-۶-۲-۵. بیان برجستگی‌های عملی زندگی اهل بیت علیهم‌السلام
-

۶۳ • ۶. آفات و انحرافات مداحی

۶۳ • ۶-۱. مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معنا

۶۵ • ۶-۲. استفاده از آهنگ‌های نامناسب

۶۵ • ۶-۳. استفاده از تعابیر سُبُک و غیرمتناسب با شأن اهل بیت علیهم‌السلام

۶۶ • ۶-۴. بیان مطالب سست‌کنندهٔ ایمان دینی مخاطب

۶۶ • ۶-۵. تحریک عصبیت‌های مذهبی

۶۸ • ۷. لزوم تعریف سازوکار برای ساماندهی مداحی

۶۹ • ۸. اخلاق مداحی

۶۹ • ۸-۱. کسب شایستگی انتساب به اهل بیت علیهم‌السلام

۷۱ • ۸-۱. نوآوری در امتداد شیوهٔ پیش‌کسوتان

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس بی‌پایان خدای متعال را که پس از خلق فرزندان آدم، همگان را به طریق ارادت خویش فرا خواند و ما آدمیان را در شاهراه محبت و عشق خود مبعوث کرد.

﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱

و هر که شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست.

ائمه هدی علیهم السلام در بشارتی روح‌بخش به انسان‌های طالب لقای حق فرموده‌اند: «فَادْعُوهُ بِنَاءً»^۲ یعنی همه ما در راه تعالی و کمال خود و قرب به خداوند متعال ناگزیر از توسل به این انوار مطهر هستیم. طبق روایات هیچ راهی جز مکتب ائمه هدی علیهم السلام به سوی حق تعالی وجود ندارد و تمامی مکاتب و شریعی که جز این مسیر نورانی، راهی برای رسیدن به خدا نشان می‌دهند، پایانی جز گمراهی و ضلالت ندارند. اگر چه همه اهل بیت علیهم السلام کشتی نجات هستند و تمسک به آنها انسان را از گمراهی نجات می‌دهد ولی بنابر روایات، سفینه‌الحسین در این راه، طالبان حقیقت را سریعتر به سرای مقصود می‌رساند و توسل به سالار شهیدان را نزد خدای متعال حساب دیگری است.

اکنون که این رشته محکم و نورانی در اختیار پیروان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است، همه تلاش شیاطین بر آن است تا ما را از این نعمت عظیم غافل کنند یا با افزودن انواع خرافات و شبهات، محبان اهل بیت علیهم السلام را از بهره‌گیری از این نعمت الهی محروم

۱. حج، ۳۲.

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه کریمه ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ فرمودند: «نَحْنُ وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا؛ به خدا قسم، ما اهل بیت، اسمای حسناى پروردگاریم؛ خدا عملی را از بندگان نمی‌پذیرد، مگر آنکه با معرفت ما باشد» (نک: محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۳ و ۱۴۴).

کنند. بنابراین رعایت آداب عزاداری سالار شهیدان یکی از شروط مهم دستیابی به مقصود این مجالس است.

از خدا جوییم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از فیض رب اکنون که ما محبتان و ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام، قصد آن داریم در محیط هجمه به این امانت‌های الهی، محکم و استوار و بدون هیچ بیم انحراف، در صراط مستقیم محبت و ولایت آل الله علیهم السلام گام برداریم، چه نیکوست، آداب و مرام «ارادات ورزی» را نیز از خود آن معادن علم جویا شویم.

آیات کریمه قرآن و روایات شریف ائمه اطهار علیهم السلام در تبیین شرایط و آداب ذکر اهل بیت علیهم السلام، بهترین هدیه‌ای است که می‌توان به سالکان این راه پر بهجت و ناب تقدیم کرد.

در بیان و نگاه پرچم‌دار و مقتدای اهل ولای این عصر، یعنی حضرت روح الله قدس سره و خلف صالح و برحق ایشان، رهبر معظم انقلاب دامت‌ت‌الله، نیز آداب و تکالیف عزاداران مجلس حضرت اباعبدالله علیه السلام، شنیدنی است. در این مجموعه از رهنمودهای حکیمانه این دو عزیز، بهره وافر برده‌ایم.

مجلس و هیئت عزای حسینی از سه رکن سخنران، مداح و عزاداران تشکیل شده است. هرکدام از این سه، تکلیف و رسالت ویژه خود را دارند و همین‌طور برای هرکدام آسیب‌ها و شبهات جداگانه‌ای وجود دارد، از همین رو ما در این مجموعه آداب و وظایف هرکدام را در کتابی مستقل ویژه همان گروه گرد آورده‌ایم.

در آخر، این مجموعه را به ساحت مقدس اهل بیت هدی علیهم السلام، به‌ویژه ام‌الأنمة النجباء، حضرت صدیقه کبری علیها السلام تقدیم می‌کنیم و از همه خوانندگان محترم، دعای خیر مسئلت داریم.

بدانید که مداحی و ستایشگری ائمه علیهم السلام، در حقیقت ستایشگری نیکی و معنویت و جهاد است. ستایشگری خورشید امامت و ولایت است. خورشید حقیقتی که سعی شد آن را بیوشانند؛ اما همین زبان‌های گویا نگذاشتند: نه فقط مداحان و شعرا نگذاشتند؛ بلکه همه کسانی که در راه معرفت دینی کار کرده‌اند و همه دل‌های فروزنده از محبت اهل بیت علیهم السلام، در این سیزده‌چهارده قرن نگذاشتند این خورشید، پوشیده بماند. روز به روز ابرها را از مقابل آن خورشید، بیشتر کنار زدند تا امروز به اینجا رسیده‌ایم. این کار باید ادامه پیدا کند و حقایق اهل بیت علیهم السلام روشن شود.^۱

رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

روایات

* امام صادق علیه السلام از اباهارون خواستند برای ایشان شعری درباره امام حسین علیه السلام بخواند. او خواسته امام را اجابت کرد؛ اما حضرت فرمودند:

فَقَالَ أَنشِدُنِي كَمَا تُنْشِدُونَ يَعْنِي بِالرِّقَّةِ.

برای من همان طور بخوان که [در جمع خودتان] می‌خوانید؛ یعنی با دل شکستگی.

پس برای امام صادق علیه السلام این گونه خواند:

أَمُرُّ عَلَى جَدَّتِ الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الرِّكِيَّةِ

امام گریه کردند و فرمودند که بیشتر برایشان بخواند! اباهارون قصیده دیگری خواند. امام گریه کردند. همچنین صدای گریه [دیگران] نیز از پشت پرده شنیده می‌شد. هنگامی که اباهارون از خواندن شعر فارغ شد، امام صادق علیه السلام فرمودند:

يَا أَبَا هَارُونَ مَنْ أَنشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبِكِي وَأَبْكِي عَشْرَةَ كِتَبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَنشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبِكِي وَأَبْكِي خَمْسَةَ كِتَبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَنشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبِكِي وَأَبْكِي وَاجِدًا كِتَبَتْ لَهُمَا الْجَنَّةُ وَمَنْ ذَكَرَ الْحُسَيْنَ عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِنَ الدَّمْعِ مِقْدَارُ جَنَاحِ ذَبَابٍ كَانَ نَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَلَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ.^۱

ای اباهارون! هرکه شعری درباره امام حسین علیه السلام بخواند و گریه کند و ده نفر را بگریاند، برای آن‌ها [پاداش] بهشت نوشته می‌شود و هرکه در زتای امام حسین علیه السلام شعری بخواند و گریه کند و پنج نفر را بگریاند، برای آن‌ها [پاداش] بهشت نوشته می‌شود و هرکه شعری درباره امام حسین علیه السلام بخواند و گریه کند و یک نفر را بگریاند، برای آن‌ها [پاداش] بهشت نوشته

۱. محمدبن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۵.

می‌شود؛ همچنین هرکه نزد او از امام حسین علیه السلام یاد شود و از چشمش به اندازه بال مگسی اشک خارج شود، ثوابش با خداست و خدا برای او به کمتر از بهشت راضی نمی‌شود.

* بنا بر روایتی از اباصلت، دعبل بن علی خُزاعی قصیده‌ای درباره امام رضا علیه السلام سروده و عهد کرده بود که قبل از این بزرگوار، آن را برای احدی نخواند. در مرو به محضر آن حضرت علیه السلام شرفیاب شد و پس از کسب اجازه، قصیده‌اش را این چنین خواند:

تَجَاوَبْنَ بِالْأُنَّانِ وَالزَّفَرَاتِ نَوَائِحُ عَجْمِ اللَّفْظِ وَالنَّطَقَاتِ...

تا اینکه به این بیت رسید:

وَ قَبْرٌ بَعْدَادَ لِنَفْسٍ زَكِيَّةٍ تَضَمَّنَهَا الرَّحْمَنُ فِي الْعُرْفَاتِ

و در بغداد برای نفس زکیه قبری است که خداوند در بهشت، جایگاه رفیعی برای او تضمین کرده است.

در این لحظه، امام علیه السلام فرمودند: «آیا به این قسمت شعر تو، دو بیت اضافه کنم تا قصیده‌ات کامل شود؟»

دعبل که اشتیاقش را اعلام کرد، امام رئوف علیه السلام این دو بیت را افزودند:

وَ قَبْرٌ بِطُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ تَوَقَّدُ بِالْأَحْشَاءِ فِي الْحُرْقَاتِ
إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا يَفْرَجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ

و در طوس قبری است که وای از مصیبت‌های آن

تا قیامت شراره‌های آتش از جگرش زبانه می‌کشد

تا اینکه خداوند حضرت مهدی علیه السلام را بفرستد

و غم و اندوه را از ما برطرف کند.

دعبل پرسید: «ای پسر رسول خدا! این قبر، قبر کیست؟» امام علیه السلام فرمودند: قَبْرِی وَ لَا یَنْقُضِی الْأَیَّامَ وَ السَّنُونَ حَتَّى تَصِیرَ طَوْسٌ مُخْتَلَفٌ شِیعَتِی فَمَنْ زَارَنِی فِی غُرَبَتِی کَانَ مَعِی فِی دَرَجَتِی یَوْمَ الْقِیَامَةِ مَغْفُورًا لَهُ.

[قبری که در توس است،] قبر من است و روزها و سال‌های زیادی نمی‌گذرد که طوس، محل رفت‌وآمد شیعیان من می‌شود؛ پس هر که مرا در غربتم زیارت کند، در قیامت با من و در درجه من خواهد بود و گناهش بخشیده خواهد شد.

علی بن موسی الرضا علیه السلام این‌ها را که فرمودند، برخاستند... و به دعبل کیسه‌ای عطا کردند که در آن، صد دینار بود.

* کمیت بن زید که در شأن اهل بیت علیهم السلام شعر می‌سرود، به محضر پنجمین معصوم علیه السلام شرفیاب شد. حضرت باقر العلوم علیه السلام فرمودند:

وَ اللَّهُ یَا کُمِیْتُ لَوْ کَانَ عِنْدَنَا مَالٌ لَأَعْطِیْنَاکَ مِنْهُ وَ لَکِنْ لَکَ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِحَسَانٍ لَا یَزَالُ مَعَكَ رُوحُ الْقُدُسِ مَا ذَبَّتَ عَنَّا.^۲

قسم به خدا ای کمیت، اگر نزد ما مالی بود، حتماً آن را به تو می‌دادیم؛ اما حق تو همان چیزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حسان فرمود: «مادامی که از ما دفاع می‌کنی، پیوسته روح القدس با تو است.»

* طبق گفته ابن طاووس، از آل پیامبر علیهم السلام این‌طور روایت شده است:

مَنْ بَکَى وَ أَبْکَى فِینَا مِائَةٌ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَکَى وَ أَبْکَى خَمْسِینَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَکَى وَ أَبْکَى ثَلَاثِینَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَکَى وَ أَبْکَى عِشْرِینَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَکَى وَ أَبْکَى عَشْرَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ بَکَى وَ أَبْکَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ

۱. محدث اربلی، کشف الغمه فی معرفة الأنمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۴.

مَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ^۱

هرکه به خاطر ما گریه کند و صد نفر را بگریاند، پاداشش بهشت خواهد بود. هرکه گریه کند و پنجاه نفر را بگریاند، پاداشش بهشت خواهد بود. هرکه گریه کند و سی نفر را بگریاند، پاداشش بهشت خواهد بود. هرکه گریه کند و بیست نفر را بگریاند، پاداشش بهشت خواهد بود. هرکه گریه کند و ده نفر را بگریاند، پاداشش بهشت خواهد بود. هرکه گریه کند و یک نفر را بگریاند، پاداشش بهشت خواهد بود و پاداش آن که خود را به حالت گریه درآورد نیز بهشت است.

* سهیل بن ذبیان قبل از اینکه کسی از مردم به محضر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام وارد شود، خدمت ایشان شرفیاب شد. امام به او فرمودند: «مرحبا به تو ای ابن ذبیان! الان فرستاده ما می خواست دنبالت بیاید تا نزد ما حاضر شوی.» ذبیان علتش را پرسید. حضرت فرمودند: «به خاطر خوابی که دیشب دیدم و مرا آزاده و بی خواب کرده است.» گفت: «خیر است ان شاء الله تعالی.» امام رضا علیه السلام ادامه دادند: «دیدم که گویی برابیم نردبانی گذاشته شده است که در آن صد پله بود و بالای آن رفتیم.» ذبیان این خواب امام را به طول عمر تعبیر کرد و بشارت داد که چه بسا این بزرگوار، صد سال عمر کنند؛ برای هر سال، یک پله. حضرت فرمودند: «آنچه خدا بخواهد می شود.» سپس جزئیات بیشتری از خواب خود را بیان فرمودند:

ای ابن ذبیان، آن هنگام که به بالای نردبان رفتیم، گویا وارد گنبد سبزی شدم که از درون آن، می شد بیرون را دید. دیدم جدم رسول الله صلی الله علیه و آله درون آن نشسته است و در راست و چپش دو غلام نیک روی بودند که نور از چهره هایشان می تابید و زنی را دیدم با خلقتی نیکو و کنارش شخصی با خلقتی نیکو که نزد او نشسته بود؛ همچنین مردی را دیدم که در کنارش ایستاده بود و این قصیده را می خواند: «لَا تُمِّ عَمْرُو بِاللَّوَى مَرْبَعٌ...»

هنگامی که پیامبر ﷺ مرا دید، به من فرمود: «مرحبا به تو فرزندم! ای علی بن موسی الرضا، به پدرت علی رضی الله عنه سلام کن.» به او سلام کردم؛ سپس فرمود: «به مادرت فاطمه زهرا رضی الله عنها سلام کن.» به او هم سلام کردم؛ آنگاه فرمود: «به پدران حسن و حسین رضی الله عنهما سلام کن.» به آنها نیز سلام کردم. این بار فرمود: «به شاعر و مدح‌کننده ما در سرای دنیا، سیداسماعیل جمیری سلام کن.» به او هم سلام کردم و نشستم. پیامبر به سیداسماعیل رو کرد و فرمود: «...قصیده‌ات را دوباره بخوان.» او شروع کرد به خواندن و گفت:

لَأْمَ عَمْرٍو بِاللَّوَى مَزْبِعٌ طَامِسَةٌ أَعْلَامُهُ بُلْعُجٌ...

پیامبر ﷺ گریست و هنگامی که به اینجا رسید که: «و وجهه کالشمس از تطلع...»، پیامبر ﷺ و فاطمه رضی الله عنها و کسانی که نزد او بودند، گریستند و آنگاه که به اینجا رسید که:

قَالُوا لَهُ لَوْ شِئْتَ أَعْلَمْتَنَا إِلَى مِنَ الْغَايَةِ وَالْمَفْرَعُ

پیامبر ﷺ دستانش را بلند کرد و فرمود: «خدایا! تو شاهدی بر من و بر آنها که من به آنها اعلام کردم که غایت (بازگشت) و پناه، علی بن ابی طالب است» و در این حال، با دستش به او اشاره کرد که در کنارش نشسته بود. هنگامی که سیداسماعیل سرودن قصیده را به پایان رساند، پیامبر ﷺ به من روی کرد و فرمود: «ای علی بن موسی، این قصیده را حفظ کن و به شیعیان ما دستور بده تا آن را حفظ کنند و به آنها اعلام کن که هر که آن را حفظ و بر خواندنش مداومت کند، بهشت را نزد خداوند متعال برایش ضمانت می‌کنم.» پیامبر ﷺ آن را پیوسته برای من می‌خواند تا اینکه حفظش کردم.^۱

* وقتی که کمیت بن زید برای امام باقر رضی الله عنه شعرهایی را خواند که در مدح

اهل بیت علیهم السلام سروده بود، حضرت از او پرسیدند:

يَا كُمَيْتُ طَلَبْتَ بِمَدْحِكَ إِيَّانَا لِثَوَابِ دُنْيَا أَوْ لِثَوَابِ آخِرَةٍ.

ای کمیت، به خاطر اینکه ما را مدح کردی، اجر دنیا را می خواهی یا اجر آخرت را؟

کمیت، بنابر گفته خودش، چیزی جز اجر آخرت طلب نکرد. امام باقر علیه السلام فرمودند:

أَمَا لَوْ قُلْتَ ثَوَابَ الدُّنْيَا قَاسَمْتُكَ مَالِي حَتَّى الثُّغْلَ وَ الثُّغْلَ ...^۱

اگر اجر دنیا را می خواستی، همه اموالم حتی کفش و مرکب [خود] را با تو تقسیم

می کردم....

۱. نقش و جایگاه مداحی

رَبِّعَظْمَانِ سَنَظْلَه: مداحی و ستایشگری خاندان پیغمبر که طبعاً ذکر مصائب را هم به همراه دارد، شغل خیلی مهم و بزرگی است؛ البته ما بارها در طول سال‌های گذشته، در چنین جلساتی مطالبی را در این زمینه عرض نموده و با زبان‌های گوناگون به هنر مداحی، اظهار اخلاص و ارادت کرده‌ایم.^۱

رَبِّعَظْمَانِ سَنَظْلَه: میدان شما، میدان وسیعی است، میدان کار و اثرگذاری است. امروز مداحان جوان، بحمدالله خیلی هستند. اقبال جوان‌ها هم خیلی زیاد است. این مزرع، بسیار مستعد و قابل‌بذرافشانی است. اگر خوب بذرافشانی شود، تأثیرات و محصولش فوق‌العاده بارزش خواهد بود. از این فرصت استفاده کنید، استفاده کنیم، نظام اسلامی استفاده کند؛ شعر خوب، آهنگ خوب، مضمون خوب، اجرای خوب، صدای خوب، این یک چیز استثنایی و فوق‌العاده خواهد بود.^۲

رَبِّعَظْمَانِ سَنَظْلَه: نقش هنر، نقش شعر، نقش ادبیات، نقش حضور در میدان‌های عملی در پرورش این روح ایمانی، نقشی است که بسیار بسیار کارساز و مؤثر است. شما جای مداح و ذاکر اهل بیت را اینجا ببینید: نقش ایمان‌آفرین، نقش فرهنگ‌ساز، نقش مستحکم‌کننده پیوند قلبی بین پیروان و بین آن محبوبان [است]؛ یک چنین نقشی است. این نقش، بسیار نقش مهمی است.^۳

۱-۱. جایگاه مداحی در جبهه تبلیغ دین

رَبِّعَظْمَانِ سَنَظْلَه: جبهه تبلیغ، جبهه وسیعی است که در آن هنر و آموزش و علم و دین و دانشگاه و حوزه و وزارت ارشاد و صداوسیما هستند که یک قسمت از این جبهه وسیع، به جماعت مداح، این برادرهایی که در دوره جنگ و دفاع مقدس در جبهه

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۹ مهر ۱۳۷۷.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

۳. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.

بودند، خوب در ذهنشان حرف بنده را تصویر می‌کنند، سپرده شده است و آن مانند این است که این بخش عظیم را این لشکر یا این قرارگاه به عهده دارد و تکه‌ای از آن را به گردن ما سپرده‌اند. ما باید این را خوب از عهده بریباییم تا دیگران هم که در بخش‌های خودشان از عهده برآمده‌اند، مجموعش بشود پیروزی. باید برادران مداح به این موضوع توجه کنند؛ و^۱ الا ما در نوحه خوانی [و] مصیبت‌خوانی و مرثیه‌خوانی، اگر یک مقدار همت و سلیقه به خرج بدهیم، می‌توانیم همه این مفاهیم عالی را بگنجانیم و البته می‌شود همه این‌ها را پوچ و پوک و خالی کرد و فقط، ظواهری باشد. این موضوع می‌تواند در روضه، در نوحه، در سینه‌زنی و در مدح و مصیبت باشد؛ طوری که فقط دلی بسوزد و قطره‌اشکی بریزد، بدون اینکه اندک بهره‌ای برده شود! در روز جشن هم به همین نحو.^۱

رب‌بعضلمنظله: من یک وقت گفتم که گاهی شعر یک مداح، از یک منبر یک ساعتی ما اثرش بیشتر است؛ البته همیشه نیست؛ گاهی است: اگر خوب انتخاب و اجرا شود، این طوری خواهد بود.^۲

۱-۲. انتساب به اهل بیت علیهم السلام

رب‌بعضلمنظله: «یا نساء النبی من یأت منک بفاحشه مبینة یضاعف لها العذاب ضعفین»^۳ [این آیه،] خطاب به زنان پیغمبر است: «هرکه از شما گناه کند، عذابش دو برابر است.» چرا؟ زن پیغمبر چون زن پیغمبر است، اگر گناه کرد، عذابش دو برابر است. «وَ کَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ یَسِیراً»^۴ «و من یقت منک لله و رسوله و تعمل صالحاً تؤتها

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۷ مرداد ۱۳۸۳.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

۳. «ای همسران پیامبر، هرکدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود» (احزاب، ۳۰).

۴. «و این برای خدا آسان است» (احزاب، ۳۰).

أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ^۱؛ آن طرف قضیه هم همین طور است: اگر عبادت کردید، اگر کار خوب کردید، اگر عمل صالح انجام دادید، دوبرابر مردم دیگر به شما اجر می‌دهیم؛ یعنی نماز زن پیغمبر به طور معمولی، دوبرابر نماز دیگران اجر دارد. عبادتش دوبرابر عبادت دیگران اجر دارد. اگر هم خدای نکرده غیبت کسی را بکند، غیبتش دوبرابر غیبت دیگران گناه دارد. بعد... از اینجا شروع می‌شود: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّبَعْتُنَّ^۲؛ شما اگر تقوا پیشه کنید، مثل دیگر زن‌ها نیستید؛ از بقیه زن‌های دیگر امتیاز دارید. آن وقت، بعد دنباله‌اش می‌فرماید: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا^۳ این، خطاب به زن‌های پیغمبر است؛ اما زن‌های پیغمبر خصوصیتی ندارند؛ خصوصیت زن‌های پیغمبر، انتساب به پیغمبر است. من و شما هرکدام انتساب بیشتر و موقعیت خطیر و ممتازی در جامعه داشته باشیم، همین خصوصیت در ما هم هست؛ البته نمی‌گویم دوبرابر، این را ادعا نمی‌کنم؛ اما با دیگر مردم فرق داریم و من از شما بیشتر. اگر ما خطایی انجام دهیم، خطای ما مثل خطای مردم عادی نیست؛ سنگین‌تر و سخت‌تر است. اگر ما خدای نکرده کسی را به وادی ضلالت و گمراهی انداختیم، با عمل مشابه دیگری تفاوت دارد. مداح‌ها بدانند چه می‌خوانند و چه می‌گویند.^۴

۱-۳. اقبال عمومی به مداحان

رئیس مجلس شورای اسلامی: امروز خوشبختانه اقبال مردم به این حرفه و هنر چندپهلوی و چندجانبه، زیاد است. جوانان در تهران و شهرستان‌ها به جلسات مداحی، علاقه و توجه دارند. این،

۱. «و هر که از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دوچندان خواهیم کرد [و روزی پرارزشی برای او آماده کرده‌ایم]» (احزاب، ۳۱).

۲. «ای همسران پیامبر، شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید...» (احزاب، ۳۲).

۳. «پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند» (احزاب، ۳۳).

۴. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (ع.ا.س.)، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

مسئولیت شما آقایان مداح را مضاعف می‌کند.^۱

در **معظم العتبات**: صدای خوش، آهنگ قشنگ، موقعیت ممتاز، تریبون خوب [و] اقبال فراوان. امروز هم که جوان‌ها بحمدالله، جامعه و کشور ما را با صفای دل خودشان مصفا کرده‌اند. این همه جوان در این کشور وجود دارد؛ همه متوجه شماست. شما چه می‌خواهید به مردم بدهید؟ اینکه من همیشه روی آنچه می‌خوانید و آن چنان که می‌خوانید، در جلسه مداح‌ها و با افراد گوناگون تأکید می‌کنم، به خاطر این حساسیت است.^۲

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

۲. سابقه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام

رهبر عظمی علیه السلام وقتی انسان به روایاتی که مربوط به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می باشد و از ائمه علیهم السلام صادر شده است، مراجعه می کند، می بیند زبان معصومین علیهم السلام نسبت به این بزرگوار، آن چنان زبان ستایش و خضوع و خشوع است که برای کسی که مقام والای فاطمه زهرا علیها السلام را ندانسته باشد، ممکن است مایه تعجب بشود. از خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که پدر و مربی این مخدرة بزرگوار بود تا امیرالمؤمنین که همسر او بود و تا فرزندان او، ائمه علیهم السلام، هر کدام راجع به زهرا علیها السلام اظهار، جمله ای سخن گفته اند و آن را با زبان تعظیم و ستایش بیان کرده اند. این، نشان دهنده آن مقام والا و توصیف ناشدنی است که حقیقتاً برای ذهن قاصر ما، آن علو درجه معنوی و ملکوتی امّ الائمه التّجباء (علیها سلام الله)، قابل درک نیست و ما به قدر فهم خود، ممکن است رشحه ای از رشحات را درک کنیم. برادرانی که در این رشته هستند، توجه کنند که مسئله مداحی، مسئله مهمی است. مداحی، همچنان که قبلاً هم در همین جلسه به شما عرض کردم، ادامه راه ستایشگران برجسته اهل بیت در دوران اختناق اموی و عباسی است. قضیه، فقط قضیه شعرخوانی نیست؛ بلکه مسئله، مسئله پراکندن مدایح و فضایل و حقایق در قالبی است که برای همه شنوندگان، قابل فهم و درک و در دل آن ها دارای تأثیر است؛ لذا شما اطراف کشور اسلامی آن روز، از اقصای خراسان و سیستان تا یمن و مصر و کشورهای مغرب اسلامی را ببینید: شیعیانی بودند که راجع به امیرالمؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام و نیز راجع به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حرف می زدند و سخن می گفتند و برای این و آن، حقایقی را بیان می کردند.

شما در بین کلمات ائمه علیهم السلام یا سیره آن بزرگواران، کسی را که دارای چنین خصوصیتی است و این گونه مورد توجه ویژه قرار داده باشند، کمتر می بینید؛ مگر آن افراد بسیار برجسته، مثل «هشام بن حکم» یا «مؤمن الطاق» که این ها در بین رجال شیعه، بی نظیر و یا بسیار کم نظیر بودند. ائمه علیهم السلام، امثال هشام و مؤمن الطاق را ستایش می کردند و مورد توجه و علاقه قرار می دادند؛ اما آن کسانی که همین مدح و

بیان فضایل را به زبان شعر بیان می‌کردند، ولو آنچه که می‌گفتند، در حدّ اوج سخن هشام بن حکم هم نبود، مورد توجه و نوازش و احترام و تجلیل و تکریم قرار می‌دادند. علت این کار چیست؟^۱

رهبر عظیم الزمان علیه السلام: شما ببینید امام باقر و یا امام سجاد (علیهما الصّلاة والسلام)، نسبت به «فرزدق» چه محبتی انجام دادند؛ در حالی که فرزدق جزو شعرای اهل بیت نیست! او یک شاعر درباری و وابسته به دستگاه‌های قدرت و یک آدم معمولی بود که یک دیوان پُر از شعر، راجع به همین حرف‌ها و مبتذلاتی که شعرای آن روز بر زبان‌شان جاری می‌کردند، داشت؛ لیکن چون یک بار وجدان او بیدار شد و در مقابل قدرت، حق را بیان کرد، آن هم به زبان شعر، شما ببینید که امام سجاد (علیه الصّلاة والسلام) چه محبتی نسبت به او انجام می‌دهد! یا بقیه شعرایی که مربوط به اهل بیت بودند؛ مثل «کمیت» و «دعبل» و «سید حمیری» و بقیه کسانی که جزو شعرای اهل بیت محسوب می‌شدند و به آن‌ها علاقه‌مند بودند، [آن‌ها هم] همین وضعیت را داشتند.^۲

رهبر عظیم الزمان علیه السلام: امام عزیزمان، آن انسان بزرگ زمان ما، نسبت به مدح ائمه علیهم السلام حساسیت فوق‌العاده‌ای داشت. ما شرح حال آدم‌های بزرگ را در کتاب‌ها خوانده‌ایم و بعضاً هم از نزدیک دیده‌ایم؛ اما این انسان، انسان دیگری بود و با همه انسان‌های بزرگی که ما شناخته‌ایم، فاصله زیادی داشت و حدّش به همان حدود اولیاءالله می‌خورد. آن سبک انسان بود؛ نه مثل این انسان‌های بزرگی که در دنیای امروز و گذشته وجود داشتند و به‌عنوان انسان‌های بزرگ شناخته می‌شدند. رهبر بزرگ ما، با آن‌ها تفاوت زیادی داشت. انصافاً شخصیت عظیمی بود. ایشان، در ارتباط با خواندن و مدح و زندگی ائمه علیهم السلام و پیوند عاطفی و محبت و تقویت این رشته، حساسیت فوق‌العاده‌ای داشت. [اینکه] کسی در این حد از مقام، این قدر به این مسئله اهتمام

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

بورزد، نشان‌دهنده عظمت این مسئله است.^۱
رَبِّ عَظِيمِ الْعِلْمِ: من به مسائل مربوط به مداحی و شعرخوانی علاقه داشتم و این قضیه را تعقیب کردم. امروز جامعه مداحی ما و دستگاه مدح‌خوانی ما با سال ۱۳۵۸ خیلی فرق دارد. ما خیلی جلو رفتیم... [شما مداحان] توانستید الحمدلله این کاروان را پیش ببرید. باز هم بایستی تلاش کنید [و] پیش ببرید.^۲

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۲۸ دی ۱۳۶۸.
۲. بیانات در دیدار با جامعه مداحان، ۱۱ اسفند ۱۳۶۴.

۳. کارکردهای مداحی

۳-۱. تحقق عبودیت خدا

ربِّ عظیم عزَّامَ رَبِّهِ: برادران و خواهران عزیز، من و شما باید دنبال عبودیت خدا باشیم. تمجید از فاطمه زهرا، نتیجه‌اش باید این باشد. شما برادران عزیز مداح، کسانی هستید که از زبان و حجره شما امواج نورانی و معطر، مدیحه دختر پیغمبر و ائمه هدی علیهم السلام ساطع می‌شود و در دل مخاطباتان می‌نشیند. این خیلی ارزش است!^۱

ربِّ عظیم عزَّامَ رَبِّهِ: عزیزان من، این ستاره درخشان عالم خلقت، فقط همان نیست که به چشم ما می‌آید. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بسیار بالاتر از این حرف‌هاست. ما فقط درخشندگی‌ای می‌بینیم؛ ولی بسیار بزرگ‌تر از این حرف‌هاست! اما من و شما چه استفاده‌ای می‌کنیم؟ همین قدر که بدانیم او زهراست، کافی است!

در روایتی خواندم که درخشندگی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) باعث می‌شود تا چشمان کزوبیان ملاً اعلی خیره شود: «زَهْرٌ نُورٌهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ.»^۲ [فاطمه زهرا (سلام الله علیها)] برای آن‌ها می‌درخشد. ما از این درخشندگی چه استفاده‌ای بکنیم؟ ما باید از این ستاره درخشان، راه به سوی خدا و راه بندگی را که راه راست است و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پیمود و به آن مدارج عالی رسید، پیدا کنیم.^۳

۳-۲. مطرح کردن اهل بیت علیهم السلام به عنوان الگو

ربِّ عظیم عزَّامَ رَبِّهِ: در مقام تنزل وجود، آن‌جایی که عظمت‌های ملکوتی به واقعیت‌های عالم جسم و ملک می‌پیوندند و این قالب‌های بشری، حامل آن معنویت‌ها و روح‌ها می‌شود، آن وقت، هر حرکت و هر اشاره و هر حرف از زبان آن‌ها، برای ماها که عقب هستیم، یک سرمشق نورانی می‌شود. این کافی نیست که ما بدانیم فاطمه

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۳ آذر ۱۳۷۳.

زهر(ا سلام الله علیها) در چه اوجی و با چه عظمتی در این عالم بوده و در عالم معنا و ملکوت خواهد بود؛ البته دانستنش برای ما یک معرفت است و اگر معرفتِ روشنی گیر کسی بیاید که آن هم جز در سایه عمل به دست نمی آید، خیلی قیمت دارد. معرفتِ خالص روشن گویای از آن معنویت‌ها، گیر همه نمی آید. اولیای بزرگ خدا هستند که می‌توانند گوشه‌هایی از آن را درک کنند و ببینند. آن مقداری که ما درک می‌کنیم و می‌فهمیم، باید برای ما سرمشق حرکت و عمل باشد. شیعیان، این نکته را باید فراموش نکنند. البته همه مسلمین سهیم‌اند؛ منتها شاید این‌طور معرفتی، در غیر از شیعه کمتر هست؛ نه اینکه هیچ نیست. بعضی از کسانی که شیعه هم نیستند، در مقام معرفت نسبت به اهل بیت، خیلی جلو هستند؛ اما در این حد، غالباً و عموماً متعلق به شیعه است. باید هر حرف و کلمه و هر اشاره‌ای در زندگی این بزرگوار، برای ما یک سرمشق باشد.^۱

بزرگوار علیه السلام: آن‌ها از همه امکانات استفاده می‌کنند برای الگوسازی. ملت‌ها هم دستشان خالی است و الگو و نمونه‌ای که بتوانند در مقابله با آنچه که آن‌ها می‌آورند از خودشان نشان بدهند، ندارند. ما دستان پُر است: ما زنان بزرگی داریم اگر حالا بخواهیم وارد وادی مسئله زن بشویم. زنان با عظمتی در تاریخ اسلام هستند که اوج و قله این عظمت‌ها، فاطمه زهرا، صدیقه کبری (سلام الله علیها) است. حضرت زینب و حضرت سکینه هم ماجراهایشان ماجراهای شگفت‌آور برای انسان‌های متفکر و باهوش و خردمند و اهل فکر است. امام حسن و امام حسین را گفته‌اند: «سَيِّدِي شَبَابٍ أَهْلِ الْجَنَّةِ»^۲ با اینکه این‌ها همیشه جوان نبودند و این دو بزرگوار به سنین پیری و کهولت هم رسیده‌اند؛ اما «سَيِّدِي شَبَابٍ» به آن‌ها گفته‌اند؛ یعنی جوانی این‌ها باید به‌عنوان یک الگو، همیشه در مقابل چشم جوان‌های دنیا باشد. جوانی خود پیغمبر و جوانی امیرالمؤمنین هم همین‌جور است. حرف من با شما برادران عزیز مداح و ذاکر

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۰ دی ۱۳۶۹.

۲. سرور جوانان اهل بهشت (ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۴۰۵).

این است که شماها در این زمینه، خیلی وظیفه دارید.^۱
رهبر معظم انقلاب: زن امروز در خلأ است: نمی‌داند چه باید بکند؟ در دنیا این جور است. شما اگر این‌ها را مطرح بکنید، شعرای ما اگر این‌ها را بگویند، گویندگان ما اگر بخوانند، [آن وقت] ببینید چه فرهنگ رایجی در زمینه مسائل زن به وجود می‌آید. ما احتیاج به هیچ چیز دیگری نداریم. خوشبختانه ما در زمینه‌های فرهنگی، عجیب غنا و خودکفایی داریم. این دیگر، مسائل صنعتی و فنی نیست که ما دستمان به طرف دیگران دراز باشد. خودمان داریم آن الگوها را و ما باید صادر کنیم برای دنیا. حالا شما ببینید یک‌هوا، روز ولادت حضرت زهرا یا روز وفات این بزرگوار در روایات مختلف و مناسبت‌های مختلف، هزاران ستایشگر خاندان پیغمبر و مداح اهل بیت، در هزاران مجلس، شعرهایی را بخوانند؛ با آن شیوه‌ها و شگردهای هنری که شماها دارید و بسیار هم جالب است که این ابعاد در آن هست! حالا در هر شعری، یک گوشه‌ای از این گوشه‌ها ممکن است وجود داشته باشد، ببینید شما چه تحولی به وجود می‌آید!^۲

۳-۳. تبیین حقایق دین برای مردم

رهبر معظم انقلاب: امروز مثل خیلی از دوران‌های دیگر تاریخ، ما، جریان ولایت و دوستداران ائمه علیهم‌السلام، به تبیین احتیاج داریم: گفتن، بیان کردن، روشن کردن و حقایق را در معرض بینایی و دانایی انسان‌ها قرار دادن. اگر اهمیت تبیین نبود، امام صادق علیه‌السلام شاعری مثل «کمیت» را آن‌گونه مورد عنایت قرار نمی‌داد یا امام هشتم علیه‌السلام «دعبل» را یا امام چهارم علیه‌السلام، «فرزدق» را. شعرای معروفی که شما اسم‌هایشان را شنیده‌اید، مثل فرزدق، کمیت و دیگران. این‌ها سلمان زمان خودشان نبودند. این‌ها در مقایسه با اصحاب عالی‌مقام ائمه، خیلی متوسط بودند: نه معرفتشان به قدر معرفت «زُراره» و «محمد بن مسلم» و امثال این‌ها بود، نه فعالیتشان در محیط اهل بیت زیاد بود؛ اما

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ۱۷ مرداد ۱۳۸۳.

۲. بیانات در دیدار با جامعه مداحان، ۱۱ اسفند ۶۴.

شما می‌بینید امام از این‌ها تجلی می‌کند که از خیلی از اصحاب بزرگوار خودش نمی‌کند! چرا؟! به خاطر تبیین. چون این‌ها در یک جا حرفی زدند و نکته‌ای را روشن کردند که مثل خورشیدی بر ذهن‌ها و دل‌ها تابیده و حقیقتی را برای مردم روشن کرده است.^۱

رهبر معظم انقلاب^{علیه‌السلام}: شما مداحان عزیزی که اینجا هستید، جمعی از جماعت حاضر، یا مداحید یا شوق مداحی دارید. احتمالاً بعضی از جوان‌ها در آینده، مداحان بسیار خوبی هم بشوند. بدانید که مداحی و ستایشگری ائمه^{علیهم‌السلام}، در حقیقت ستایشگری نیکی و معنویت و جهاد است. ستایشگری خورشید امامت و ولایت است. خورشید حقیقتی که سعی شد آن را بپوشانند؛ اما همین زبان‌های گویا نگذاشتند: نه فقط مداحان و شعرا نگذاشتند؛ بلکه همه کسانی که در راه معرفت دینی کار کرده‌اند و همه دل‌های فروزنده از محبت اهل بیت^{علیهم‌السلام} در این سیزده‌چهارده قرن نگذاشتند این خورشید، پوشیده بماند. روزبه‌روز ابرها را از مقابل آن خورشید، بیشتر کنار زدند تا امروز به اینجا رسیده‌ایم. این کار باید ادامه پیدا کند و حقایق اهل بیت^{علیهم‌السلام} روشن شود.^۲

۳-۴. درک پذیر کردن مفاهیم متعالی دینی

رهبر معظم انقلاب^{علیه‌السلام}: مقام فاطمه^{علیها} (سلام‌الله‌علیها) درخور آن است که عقول برجسته انسان‌های بزرگ، در اصلی‌ترین رشته‌های تفکرشان بیندیشند و زبان‌های فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین گویندگان و شعرا و سرایندگان، آن اندیشه‌ها را در قالب کلمات بیاورند و سرشارترین ذوق‌ها و جوشان‌ترین طبع‌های فیاض و سیال هنرمندان و شاعران، آن‌ها را به صورت شعر و سخن منظوم، با بهترین گویش‌ها و حنجره‌ها بیان کنند. اگر این‌طور بشود، شاید ذهن بشر متوسط امروز و ما که از معارف حقیقی الهی دوریم و ککش نداریم که در ذهن و دل و روحمان، حقایق والا و متعالی را درک بکنیم، بتوانیم

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه^{علیها} زهرای^{علیها}، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه^{علیها} زهرای^{علیها}، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

گوشه‌ای از فضایل و مدایح و مناقب و محامد این بزرگوار را بفهمیم و درک کنیم.^۱
رهبر معظم انقلاب: درباره مقامات صدیقه طاهره (سلام‌الله‌علیها)، زبان و گفتار ما یارای بیان ندارد. نمی‌شود توصیف کرد. وصف او از حدّ این قالب‌های معمولی بیانی ما بالاتر است؛ اما با زبان هنر تا حدودی می‌شود ذهن‌ها را نزدیک برد. اینکه بنده روی مداحی و شعر و سرودهای اسلامی تکیه می‌کنم، به همین خاطر است. با بال و پر هنر می‌شود مقداری ذهن را نزدیک کرد؛ ولی به حقیقت آن‌ها، در مقام توصیف، نمی‌شود رسید. البته کسانی که دل‌ها و عملشان را پاک کنند، جسم و جان خودشان را تطهیر کنند، تقوا و پرهیزکاری و پاک‌دامنی را پیشه خودشان کنند و خودشان را تربیت کنند و مقداری از این آلودگی‌ای که بنده و امثال بنده دچارش هستیم، خودشان را بیرون بیاورند، چشم‌هایشان می‌تواند ببیند؛ اما باز آن‌ها هم نمی‌توانند توصیف کنند؛ لیکن دل‌های پاک و چشم دل‌بینای آن‌ها می‌تواند انوار قدسیه اهل بیت و از جمله صدیقه کبری (سلام‌الله‌علیها) را تا حدودی از نزدیک ببیند و مقامات آن‌ها را درک کند.^۲

۳-۵. عمق دهی به ایمان دینی مردم

رهبر معظم انقلاب: اساساً مادامی که ایمان، با محبت و عشق عمیق و رنگ‌وبوی پیوند عاطفی همراه نباشد، کارایی لازم را ندارد. محبت است که در مقام عمل و تحرک، آن‌هم در حدّ بالا، به ایمان کارایی می‌بخشد. بدون محبت نمی‌شد ما نهضت را به پیش ببریم. بالاترین عنوان محبت، یعنی محبت به اهل بیت، در تفکر اسلامی، در اختیار ماست. اوج این محبت، در مسئله کربلا و عاشورا و حفظ یادگارهای گران‌بهای فداکاری مردان خدا در آن روز است که برای تاریخ و فرهنگ تشیع، به یادگار گذاشته شده است.^۳

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع) ۲۸ دی ۱۳۶۸.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع) ۱۷ مرداد ۱۳۸۳.

۳. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

ربمظفر علیه السلام: یک انسان والا، پاک، منور و بدون ذره‌ای شائبه تردید در شخصیت ملکوتی والای او، برای هدفی که همه منصفین عالم در صحت آن که مبتنی بر نجات جامعه از چنگ ظلم و جور و عدوان است، متفق‌اند، حرکت شگرفش را آغاز می‌کند و می‌گوید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَجَلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ...»^۱ بحث سر این است. امام حسین علیه السلام، فلسفه حرکت خود را مقابله با جور قرار می‌دهد: «يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^۲ بحث بر سر مقدس‌ترین هدف‌هاست که همه منصفین عالم آن را قبول دارند. چنان انسانی، در راه چنین هدفی، دشوارترین مبارزه را تحمل می‌کند. دشوارترین مبارزه، مبارزه غریبانه است. کشته‌شدن در میان هیاهو و هلهله دوستان و تحسین عامه مردم، چندان دشوار نیست؛ چنان‌که در یکی از جنگ‌های صدر اسلام، وقتی که دو لشکر حق و باطل، در مقابل هم صف کشیدند و کسانی چون پیغمبر و امیرالمؤمنین علیهما السلام، در رأس جبهه حق قرار داشتند، پیغمبر از سپاهیان خود پرسید: «چه کسی حاضر است به میدان برود و فلان جنگجوی معروف سپاه دشمن را از پای درآورد؟» جوانی از سپاهیان اسلام، داوطلب شد. پیغمبر دستی بر سر او کشید و او را بدرقه کرد. مسلمانان هم برایش دعا کردند و او به میدان نبرد رفت، جهاد کرد و کشته شد. این، یک نوع کشته‌شدن و جهادکردن است. نوع دیگر جهادکردن، جهادی است که وقتی انسان به سمت میدان نبرد می‌رود، آحاد جامعه، نسبت به او یا منکرند یا غافل‌اند یا کناره می‌جویند و یا در مقابلش می‌ایستند. کسانی هم که قلباً وی را تحسین می‌کنند و تعدادشان کم است، جرأت ندارند زبانی، به تحسینش بپردازند. در حادثه عاشورای امام حسین علیه السلام، حتی کسانی مانند «عبدالله بن عباس» و

۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «کسی که سلطان ستم‌کشی را ببیند که حرام خدا را حلال می‌داند، عهد و پیمان خدا را می‌شکند، با سنت رسول الله مخالف است و در میان مردم با گناه و تعدی [به حقوق دیگران] رفتار می‌کند؛ اما با این‌همه، با قول و رفتار خود با او مخالفت نکند، خدا حق دارد که وی را هم در جایگاهی نظیر جایگاه همان سلطان ستم‌پیشه داخل کند» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲).

۲. «در میان بندگان خدا، با گناه و تعدی رفتار می‌کند» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲).

«عبدالله بن جعفر» که خودشان جزو خاندان بنی هاشم و از همین شجره طیبه‌اند، جرأت نمی‌کنند در مکه یا مدینه بایستند، فریاد بزنند و به نام امام حسین علیه السلام شعار بدهند. چنین مبارزه‌ای، غریبانه است و مبارزه غریبانه، سخت‌ترین مبارزه‌هاست: همه با انسان، دشمن؛ همه از انسان، رویگردان. در مبارزه امام حسین علیه السلام، حتی برخی از دوستان هم مغرض‌اند؛ چنان‌که به یکی از آن‌ها فرمود: «بیا به من کمک کن!» و او به جای کمک، اسبش را برای حضرت فرستاد و گفت: «از اسب من استفاده کن!»

غربت از این بالاتر و مبارزه از این غریبانه‌تر؟! آن وقت در این مبارزه غریبانه، عزیزترین عزیزانش در مقابل چشمش قربانی شوند: پسرانش، برادرزاده‌هایش، برادرانش و پسرعموهایش! این گل‌های بنی هاشم، پرپر شوند و در مقابلش روی زمین بریزند و حتی کودک شش‌ماهه‌اش هم کشته شود!

علاوه بر همه این مصیبت‌ها، می‌داند به مجرد اینکه جان از جسم مطهرش خارج شود، عیالات بی‌پناه و بی‌دفاعش، مورد تهاجم قرار خواهند گرفت. می‌داند که گرگ‌های گرسنه، به دختران خردسال و جوانش حمله‌ور می‌شوند. دل‌های آن‌ها را می‌ترسانند. اموال آن‌ها را غارت می‌کنند [و] آن‌ها را به اسارت می‌گیرند و مورد اهانت قرار می‌دهند! می‌داند که به دختر والای امیرالمؤمنین علیه السلام، زینب کبری (سلام الله علیها) که جزو شخصیت‌های بارز دنیای اسلام است، جسارت می‌کنند! این‌ها را هم می‌داند!

بر همه این‌ها، تشنگی خود و اهل و عیالش را اضافه کنید. کودکان خردسال، تشنه. دختر بچه‌ها، تشنه. پیرها، تشنه؛ حتی کودک شیرخواره، تشنه! می‌توانید تصور کنید که این مبارزه چقدر سخت است؟! انسانی چنان والا، پاک، مطهر و منور که ملائکه آسمان برای تماشای جلوه او بر یکدیگر سبقت می‌گیرند و آرزومند تماشای حسین بن علی علیه السلام هستند تا به او متبرک شوند، انسانی که انبیا و اولیا، آرزوی مقام او را می‌کنند، در چنان مبارزه‌ای و با چنان شدت و محنتی به شهادت می‌رسد. شهادت

چنین شخصیتی، حادثه‌ای شگرف است. کدام انسانی است که عاطفه‌اش از این حادثه جریحه‌دار نشود؟! کدام انسانی است که این حادثه را بشناسد و بفهمد و نسبت به آن دل بسته نشود؟!^۱

ربِّ عظیم‌المنزل: ... دین اگرچه که پایه‌اش عقلانیت و فلسفه و استدلال است [و] در این هیچ‌شکی نیست؛ اما هیچ مبنای عقلانی و فلسفی و حکمی، بدون آبیاری شدن از عاطفه و ایمان قلبی امکان ندارد که رویش پیدا کند و ریشه بدواند و در تاریخ بماند. ادیان، خصوصیتشان همین است: با مکاتب دیگر، با این ایدئولوژی‌ها، با این فلسفه‌های گوناگون فرقیشان همین است که ایمان‌ها را جلب می‌کند. ایمان، غیر از علم است، ایمان غیر از استدلال است، ایمان غیر از فلسفه است. ایمان یک امر قلبی است. جایگاه ایمان با جایگاه عاطفه و احساس یک‌جاست. ایمان یعنی دل‌سپردن، سرسپردن، دل‌دادن؛ بنابراین، دل نقش پیدا می‌کند [و] عواطف جایگاه خود را در طول تاریخ ادیان به این شکل حفظ می‌کنند. با اینکه در جنگ فلسفه‌ها با یکدیگر، هیچ فلسفه‌ای نیست که بتواند در مقابل فلسفه ادیان و فلسفه توحید مقاومت کند، به‌خصوص فلسفه‌ای مثل فلسفه مدون اسلامی؛ اما مسئله این نیست. خیلی‌ها مبانی و مفاهیم اسلامی را هم بلدند، حقیقتی را هم می‌دانند؛ اما به آن حقیقت دل نسپردند. شما فکر می‌کنید حقانیت علی بن ابی‌طالب را در صدر اسلام، آن کسانی که از خود پیغمبر درباره علی بن ابی‌طالب آن حرف‌ها را شنیده بودند، نمی‌دانستند؟! علم داشتند. ما در اخبار خوانده‌ایم آن‌ها از دو لب پیغمبر شنیده بودند. علم داشتند؛ اما آنچه کم بود، ایمان به آن معلوم بود، ایمان به آن چیزی بود که علم به او پیدا شده بود: یعنی دل‌دادن.^۲

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.

۳-۶. تعمیق و برافروختن محبت مردم به اهل بیت علیهم السلام

رهبر معظم عزله: مردم محبتی دارند که بایستی بر اثر خواندن و گفتن شما، عمیق و ریشه‌دار و تند و آتشین و برافروخته بشود. تشیع، آیین محبت است. خصوصیت محبت، خصوصیت تشیع است. کمتر مکتب و مسلک و دین و آیین و طریقه‌ای مثل تشیع، با محبت سروکار داشته است. علت این هم که چنین فکری تا امروز مانده [است]، درحالی که این همه با آن مخالفت کرده‌اند، این است که ریشه در زلال محبت داشته و دین توّلاً و تبّراً و آیین دوست‌داشتن و دشمن‌داشتن است و عاطفه در آن، با فکر، هماهنگ و هم‌دوش است. چیزهای خیلی مهمی است. اصلی خیلی سحرآمیز و عجیبی است.

اگر محبت در تشیع نبود، این دشمنی‌های عجیبی که با شیعه شده [است]، باید او را از بین می‌برد. همین محبت شما مردم به حسین بن علی علیه السلام، ضامن حیات و بقای اسلام است. اینکه امام می‌فرمود: «عاشورا اسلام را نگهداشت»، معنایش همین است. فاطمیه و میلاد و وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هم همین‌طور است. باید با استفاده از این هنر، این محبت را در میان مردم هم عمق ببخشید، هم تروتازه کنید و هم برافروخته نمایید. چیز خیلی عجیب و عظیمی است؛ البته ابزار لازم برای این کار، شعر خوب و درست است.^۱

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۰ دی ۱۳۶۹.

۴. ارکان مداحی

رهبر معظم انقلاب: در کار مداحی شما چند چشمه هنری وجود دارد: شعرتان هنر است. صدایتان هنر است. آهنگی که انتخاب می‌کنید، هنر است. اشارات و کارهایی که انجام می‌دهید، هنر است. عنصر دوم، عنصر تعقل است... . خصوصیت سوم این است که شما حامل پیام دینی محسوب می‌شوید...؛ البته خصوصیات دیگری هم وجود دارد؛ اما این سه خصوصیت در کنار هم مهم‌تر است. من می‌خواهم عرض کنم که از این سه خصوصیت می‌شود خیلی خوب استفاده کرد، می‌شود استفاده نکرد، می‌شود بد استفاده کرد؛ البته خوب استفاده کردن هم طیفی از انواع استفاده را در ذیل خودش دارد.

عزیزان من، سعی کنید از این سه خصوصیت متمیزی که الحمدلله خدای متعال به شما عنایت کرده [است]، به بهترین وجهی استفاده کنید.^۱

۴-۱. هنر

رهبر معظم انقلاب: [شما مداحان] امتیازتان بر گوینده نثر این است که شما برای تفهیم و القای مطلب، از دو هنر، هنر شعر و هنر خوانندگی استفاده می‌کنید. این، چیز مهمی است؛ البته خوانندگی در مقام مدح هم هنر خاصی است. معنایش هم فقط صدای خوب نیست. این هنر را باید یاد گرفت.

الحمدلله در جلسه امروز و در جلسات سال‌های پیش و نیز به مناسبت‌های دیگر، کسانی که نشانه استادی یا پختگی در کار، از حرکات و حرف‌زدن و شروع و ختم و دست‌تکان‌دادن و نگاه‌کردنشان پیداست، من زیاد دیده‌ام. این، یک هنر است. این هنر بایستی آموخته بشود و کامل گردد و افزایش پیدا کند.

مردم زبان شعر را بهتر می‌خواهند؛ اما مثل زبان نثر نمی‌فهمند؛ به‌خصوص اگر شعر، شعر بالایی باشد. شما باید این را بفهمانید. فهماندنش با این نیست که آدم با

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۹ مهر ۱۳۷۷.

صدای خوب بخواند. خیلی‌ها شعر را با صدای خوب می‌خوانند؛ ولی مستمع هم نمی‌فهمد که چه گفت! شما باید بفهمانید. این فهماندن، همان هنر مداحی است. شعر را همراه با هنر خواندن که البته غالباً با صدای خوب هم همراه است، برای تفهیم عرضه کنید. اگر با صدای خوب هم همراه نباشد، همان کیفیت خواندن، جبران صدای خوب را می‌کند. گاهی ممکن است از خیلی از خوش‌صداها هم بهتر و جافتاده‌تر و شیرین‌تر تلقی بشود. از این باید برای پراکندن بهترین معارف اسلامی در باب اهل بیت و غیر آن استفاده کنید.^۱

ربیع‌الاول منظره: مداحی رابع در بین ما، یک حرفه دوجانبه است. فقط آوازه‌خوانی و شعرخوانی نیست؛ ترکیب هنرمندانه‌ای از این دو مقوله است. البته من نمی‌دانم این شیوه از چه زمانی [باب شده] است. از زمان صفویه است. از قبل از اوست. از بعد از اوست. به‌هرحال، امروز در جامعه ما رواج دارد. صدای خوش، آهنگ مناسب و شعر، سه رکن کار است.^۲

۴-۱-۱. شعر

ربیع‌الاول منظره: اینکه [امام صادق علیه السلام] فرمودند: «مَنْ قَالَ فِينَا شِعْراً وَبَكَى أَوْ أَبْكَى وَجَبَ لَهُ الْجَنَّةُ»؛^۳ کسی [که] شعری درباره ما بگوید و چشمی را بگریاند، بهشت بر او واجب می‌شود، معنایش چیست؟ معنایش این است که بهشت را ارزان کرده‌اند؟! بهشتی که این همه باید عبادت کرد تا به آن رسید، آیا آن را این‌طور دم‌دستی کرده‌اند یا نه، آن کار، آن شعرگفتن و تسخیر دل با آن شعر و انتقال یک مطلب در آن‌روز، آن‌قدر مهم بوده [است] که به‌خاطر آن اهمیت، جا داشته است که در مقابل یک بیت شعری که این‌گونه تأثیر می‌گذارد، بهشت را به او وعده دهند؟!

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۳۶۹.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۳. محمدبن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۴، با اندکی تغییر در واژه‌ها.

هروقت شعر شما این اثر را داشته باشد، بدونِ بروبرگرد، همان وعدهٔ بهشت در مقابلش وجود دارد. این یک محاسبهٔ کاملاً منطقی و روشن است.

در زمان ما که شما می‌خواهید شعر بگویید یا شعر بخوانید و مایل‌اید در مقابلش اجر و منزلت «دِعبل» و «فرزدق» را هم داشته باشید، راهش چیست؟ راهش این است که همان خلائای را که آن‌روز «دِعبل» یا «فرزدق» یا «کمیت» یا بقیهٔ شعرای اهل بیت، با شعر خود پُر می‌کردند، پُر کنید. این مطلبی است که من همیشه به مداحان و شعرای عزیز مذهبی تذکر داده‌ام.^۱

ربیع بن اَنبَاط: آن چیزی که جناب «دِعبل خزاعی» در قصیدهٔ «مدارس آیات»^۲ بیان کرده [است] یا آن چیزی که «کمیت بن زید اسدی» در قصاید «سبعة هاشمیات» بیان نموده [است] یا آن حرف‌هایی که سید جَمِیری (رضوان‌الله‌علیه) در اشعار خود ذکر کرده است، بیش از حرف‌هایی که بقیهٔ شیعه می‌گفتند و برای هم بیان می‌کردند، نیست؛ اما چرا در نظر ائمه علیهم‌السلام، این سخنان ارزش بیشتری پیدا می‌کند؟ چون شعر است. آقایان به این نکته توجه کنند. مگر شعر چه خصوصیتی دارد؟! چون تأثیر شعر در ذهن مخاطب بیشتر است. گاهی یک شاعر، یک بیت شعر می‌گوید که از چند ساعت حرف‌زدن یک سخنور توانا گویاتر است. یک بیت یا یک مصرع شعر، در ذهن‌ها می‌ماند و مردم آن را می‌فهمند و تکرار می‌کنند و نتیجتاً ماندگار می‌شود.

گاهی می‌بینید که برای حفظ یک بنای اعتقادی یا عاطفی، آن قدر که یک شعر اهمیت دارد، چندین کتاب اهمیت ندارد. همین دوازده‌بند معروف «محتشم» که جزو اشعار قدیمی مرثیه و مصیبت است، با اینکه مطالبی که در این کتاب و در این دوازده‌بند هست، چیزی نیست که امثال او، شبیه این مطالب را در کتاب‌های خود نیاورده باشند، درعین حال، اشعار او تأثیر خاصی دارد؛ غالباً هم چیزهای ذوقی است. گر چشم روزگار بر او فاش می‌گریست خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا آن‌چنان حادثهٔ کربلا را برای مخاطب تصویر می‌کند که این مفاهیم با همهٔ بار

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۲. نک: میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۹۴.

اعتقادی و عاطفی و انسانی و سیاسی و فکری، در اعماق جان مستمع نفوذ می‌کند. اهمیت این اشعار، چنین است.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

ببینید، اصلاً با یک هنر و ذوق و ارائه سخن و به شکل خاصی، دل را متوجه می‌کند! اهمیت شعر، این است.^۱

رهبر عظیم انقلاب: رفتار ائمه علیهم السلام این گونه بود که دعوت شعری را تقویت می‌کردند. فقط ائمه هم نبودند که این کار را می‌کردند. نقطه مقابلشان هم همین طور بودند؛ یعنی همین خلفای بنی امیه و بنی عباس، برای پیشرفت کار خود، محتاج شعر بودند و به شعرای پهل‌های گزاف می‌دادند تا برای آن‌ها شعر بگویند. شعرا هم می‌گفتند. چون پول و رشوه در میان بود. حتی گاهی اوقات، بعضی از شعرای متمایل به اهل بیت، برای آن‌ها هم شعری می‌گفتند، برای اینکه پولی بگیرند!

امام باقر (علیه الصلاة والسلام) در مجلسی نشسته بودند. «کُتِبَتْ عَزَّة» که یکی از شعرای معروف عرب است و متمایل به اهل بیت بود، او هم در جلسه حضور داشت. حضرت به او رو کردند و گفتند: «امْتَدَحْتَ عَبْدَ الْمَلِكِ»^۲؛ تو مدح عبدالملک را گفتی؟! [امام] ملامتش کردند. درصدد عذرآوردن برآمد. گفت: «من چیزی در ستایش عبدالملک نگفتم. نگفتم که تو^۳ امام الهدی هستی.» حضرت تبسمی کردند و چیزی نگفتند. در این بین، «کمیت» از آن طرف مجلس بلند شد و بنا [کرد] به خواندن آن قصیده معروف خودش که در مدح اهل بیت علیهم السلام بود...:

مَنْ لِقَلْبٍ مُتَّبِعٍ مُسْتَهَامٍ غَيْرَ مَا صَبَّوْهُ وَلَا أَحْلَامٍ^۴

آن‌ها هم دنبال شعر بودند. خلفا به شاعران پول می‌دادند برای اینکه مثلاً در

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۳۳۸.

۳. یعنی عبدالملک.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۳۳۸.

مدح بنی امیه یا بنی عباس و در باب اینکه اینها برحق اند، شعر بگویند. امروز هم پول می دهند و می گویند: «به ابتدال بکشید و اسلام را قَدَح کنید^۱ و اهل بیت را مورد مذمت قرار بدهید و شیعه را خراب کنید.» الان در دنیا دهها نویسنده مزدور قلم به مزد وجود دارند که صاحب ذوق و هنر هم هستند و از این پول های بی حساب دلارهای نفتی می گیرند و کتاب می نویسند. من به قول مشهدی ها، بُری کتاب از همین مواردی که اینها علیه اسلام و تشیع و امام (رضوان الله تعالی علیه) و جمهوری اسلامی و ماها نوشته اند، دارم. تبلیغات است دیگر: تبلیغات با شیوه های خوب، اما با محتواهای بد. ببینید چه قدر قضیه اهمیت دارد.^۲

رَبِّعَظْمَ نَظْمَ: بیان را به بهترین و شیواترین وجه انتخاب کنید: شعر خوب، شاعر خوب که الحمد لله کم هم نداریم، مفاهیم خوب.^۳

۴-۱-۱-۱. لفظ

رَبِّعَظْمَ نَظْمَ: خود این شعر هم دو بخش دارد: یک بخش لفظ، یک بخش مضمون.^۴
رَبِّعَظْمَ نَظْمَ: شعر را از لحاظ هنری، [در] سطح خوب انتخاب کنید؛ چون اثرگذار است. شعر خوب و شعر هنری، همان خاصیت عمومی هنر را دارد. خاصیت عمومی هنر این است که بدون اینکه خود گوینده، حتی در خیلی از موارد توجه داشته باشد و غالباً بدون اینکه مستمع توجه داشته باشد، اثر می گذارد. تأثیر شعر، نقاشی، بقیه انواع هنر، صدای خوش و آهنگ های خوب که اینها همه هنر است، روی ذهن مخاطب، «مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُ» به وجود می آید؛ یعنی بدون اینکه مخاطب متوجه باشد، آن اثر را در او می بخشد. این بهترین نوع اثرگذاری است.^۵

۱. سرزنش کنید.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

۳. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

۴. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۵. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

رب‌مبطل انظار منظره: البته شعر خوب...، تنها، شعری نیست که معانی خوبی دارد؛ بلکه باید شعر، هنرمندانه باشد و الفاظ خوب و کلمات مناسب هم در آن به کار رفته باشد.^۱

رب‌مبطل انظار منظره: ...اولاً لفظ شعر، لفظ خوب باشد. همه، شعر خوب را نمی‌شناسند. هر شعری که یک آدم ناوارد تصور کرد این خوب است، دلیل بر این نیست که آن خوب است. شعر را بایستی آدم شعرشناس تصدیق کند که خوب است. فایده شعر خوب چیست؟ فایده اش این است که بدون اینکه من و شما ملتفت شویم، تأثیرگذاری اش در مخاطب بیشتر است؛ هنر، این است دیگر. یک هنر عالی، ولو مخاطب آن هنر، تشخیص ندهد که این عالی است، اما تأثیر او در نفس آن مخاطب، تأثیر عمیق تری خواهد بود از یک هنر سطحی مبتذل بازاری؛ فایده اش این است. لفظ، باید لفظ قوی [و] خوب [و] زیبا، مضامین، مضامین جذاب [و] جالب [و] تازه [و] غیرتکراری [باشد] و مطلب که عمده این است، آموزنده باشد.^۲

۴-۱-۱-۲. مضمون

رب‌مبطل انظار منظره: غیر از لفظ و غیر از مضمون سازی لفظی، مقوله‌ای هست به نام مقوله مطلب. یعنی آنچه شما دارید بیان می‌کنید، باید آموزنده باشد. فرض کنید یک واعظی برود بالای منبر و از اول تا آخر منبر، حرف‌هایی بزند که یک‌دوره بر معرفت مردم، بر بصیرت مردم درباره آن موضوع اضافه نشود. حُب این، وقت خودش و دیگران را تلف کرده [است]! مداح هم همین جور است. شعری شما بخوانید، ولو لفظ هم لفظ خوبی باشد، راجع به حضرت زهرا (سلام الله علیها) هم باشد، اما چیزهایی باشد که مستمع هیچ استفاده‌ای از او نمی‌تواند بکند؛ نه معرفتش نسبت به آن بزرگوار بیشتر می‌شود، نه از مقامات توحیدی او چیزی می‌فهمد، نه از مجاهدت او چیزی می‌فهمد [و] نه از رفتار و سنجیه آن بزرگوار که درس است [و] چون معصوم است و هر حرکت او برای

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.

بشر درس است [و] سرمشق است، چیزی می‌فهمد. [این] اشکال خواهد داشت. پس کارتان سخت است عزیزان! کار شما برخلاف اینکه بعضی‌ها خیال می‌کنند چهارکلمه حفظ کنیم و یک صدای بازی هم داشته باشیم، بس است. نه، کار، خیلی سخت است. کار، [باید] هنرمندانه، مؤثر، هدایتگر و جهت‌بخش باشد.^۱

ربیع‌الکرم ع اینک ما مرتب در این دیدارها به برادران عرض کردیم که بروید اشعار قوی فارسی را در کتاب‌های گوناگون پیدا کنید و آن‌هایی را که برای تفهیم مفاهیم و عقاید و اخلاق اسلامی و یا بینش سیاسی و یا هرآنچه که امروز جامعه اسلامی به آن نیاز دارد و مناسب است، برگزینید و بیاورید در محافل بخوانید، برای همین تأثیر است. آن وقت، شما یک «کمیت» و یک «دعبل» خواهید بود.

همان‌طور که مطرح کردم، یکی از چیزهایی که باید در این اشعار باشد، عبارت از مفاهیم بلند اسلامی، مثلاً در باب توحید یا نبوت است. بهترین اشعار قدما در باب توحید و نبوت، همین مدایحی است که شعرای بزرگ ما در مقدمه دیوان‌ها و مثنوی‌هایشان ذکر کرده‌اند و گفته‌اند. این اشعار شعرای برجسته، مضامینی قوی و حقیقتاً روشنگر دارد که انسان می‌تواند پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام یا فاطمه زهرا علیها السلام (یا مضمون این اشعار بشناسد. نمی‌گویم درست بشناسد؛ چون ما که نمی‌توانیم آن بزرگواران را درست بشناسیم؛ اما در همان حدی که ممکن است، باید تلاش کنیم. مثلاً وقتی راجع به امیرالمؤمنین شعری خوانده می‌شود، باید، هم مقام معنوی علی علیه السلام که ما از او خبر کمی داریم و از ذهن و فکر و دل ما آدم‌های پایین و متوسط پنهان است و هم عبادت و مظلومیت و حکومت و عدل و ضعیف‌پروری و دشمن‌ستیزی و جهاد امیرالمؤمنین علیه السلام را بشناسیم.^۲

ربیع‌الکرم ع من خیلی خوشحالم از اینکه الحمدلله می‌بینم که در این زمینه‌ها، خیلی هم خوب با پیشرفت‌ها، با آن نیازهای زمان، شعر شما و سرود شما و آهنگ شما، اقدام شما، هماهنگ شده [است] و این را باید ادامه بدهید و من توصیه می‌کنم

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

به برادران عزیز، توی این جلساتی که دور هم جمع می‌شوید، چه برادران شاعر در انجمن‌های ادبی و شعری که موضوعی را اقتراح می‌کنند و مطرح می‌کنند برای اینکه بگویند، چه در جلسات برادران مداح جامعه مداحان، چه تهران، چه قم، چه مشهد، چه هر جای دیگر، به‌خصوص آنجایی که زیاد هستند، موضوعات مهمی را که درباره آن‌ها باید شعر گفت یا شعر یافت، این‌ها را مطرح کنید.^۱

رحمتهما علیهم هم در مجامع ادبی، هم در مجامع مداحی، دنبال موضوعاتی باشید که این موضوعات بایستی درباره‌اش شعر گفته بشود یا شعر پیدا بشود و موظف بشوند بگویند مثلاً فرض بفرمایید که به‌مناسبت روزهای گوناگون دهه فجر، همین موضوعاتی که اعلام می‌شود یا از قبیل آن، شعرهایی ساخته بشود، گفته بشود، خوانده بشود. درباره زندگی امام سجاد، مثلاً یک ابعادی وجود دارد که این ابعاد را باید شناخت و درباره این‌ها باید شعر گفت و اگر شعری هست، باید پیدا کرد و این‌ها را باید به مردم گفت. امام سجادی که سی سال مبارزه کرده و آن خطبه کذابی را در شام خوانده و آن شورش را، انقلاب را در دنیای اسلام به وجود آورده [است]، مگر می‌تواند زندگی او از حماسه خالی باشد؟ خب بگردیم حماسه‌ها را پیدا کنیم. امروز ملت ما و همه ملت‌های دنیا به این حماسه‌ها نیازمندند.^۲

رحمتهما علیهم خیلی از این‌ها [که شاعران مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام هستند]، شعری هستند که اگرچه نسبت به اهل بیت علاقه هم دارند، اما همه شعرشان درباره اهل بیت نیست. شما دیوان «دعبل خزاعی» را که نگاه کنید، این‌طور نیست که او از اول تا آخر، مدح اهل بیت را گفته باشد. خیر، او یک شاعر است؛ ولی شعر او شعر سیاسی و درجهت افکار و عقاید و محبت اهل بیت علیهم السلام و جزو پیوستگان به این خاندان است. ولایت، یعنی پیوستن و وصل شدن و جزو پیوستگان و موالیان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفتن. ببینید این «دعبل» و همین‌طور «کمیت» و دیگران چقدر در دنیای تشیع

۱. بیانات در دیدار با جامعه مداحان، ۱۱ اسفند ۱۳۶۴.

۲. بیانات در دیدار با جامعه مداحان، ۱۱ اسفند ۱۳۶۴.

و در زمان ائمه علیهم‌السلام، مورد احترام و تجلیل بوده‌اند!^۱

۴-۱-۱-۲-۱. انتخاب اشعار قوی

رب‌مظلم‌انقلاب: یک وقت یکی از برادران مداح می‌گفت: «ما اگر از شعرهای خوب و شُعرای بزرگ، شعری انتخاب کنیم، مردم نمی‌فهمند؛ بنابراین مجبوریم از این شعرها استفاده کنیم.» این طوری نیست! من این را قبول ندارم. وقتی با زبان شعر با مردم حرف بزنید، هرچه شعر پیچیده هم باشد، وقتی مداح با هنر مداحی خود توانست این را کلمه کلمه به مردم القا و مخاطبه کند، در دل مردم اثر می‌گذارد.^۲

رب‌مظلم‌انقلاب: جامعه مداح، آن وقتی که از زبان خوب، شعر عالی، محکم، قوی [و] گویا و محتوای خوب، شعر اخلاقی، تاریخی [و] اعتقادی [درزمینه] توحید، نبوت [و] ولایت برخوردار باشد، نقش خود را ایفا کرده است. در همه این [زمینه]ها هم شعر هست. در زبان فارسی، این قدر شعر خوب و حکمت‌آمیز وجود دارد که اگر کسی بخواهد ده سال تکراری نخواند، می‌تواند در تمام موضوعات، شعر بیرون بیاورد؛ از شعرای قدیم بگیرد تا شعرای امروز و شعرهای خوب. پس زبان خوب، شعر خوب و محتوای حکمت‌آمیز، اعم از اعتقاد و اخلاق و مصیبت و مدح و مسائل اجتماعی و مسائل انقلاب و امثال این‌ها، خیلی مهم است.^۳

رب‌مظلم‌انقلاب: شعر شما باید خوب، محکم، قوی، خوش‌مضمون و قانع‌کننده باشد. گاهی قصیده‌ای که شما می‌خوانید، به اندازه چند منبر یک منبری خوش‌بیان، تأثیر می‌گذارد. گاهی یک بیت شعر بجا، به قدر یک کتاب، قیمت دارد. این‌ها آسان و مجانی به دست نمی‌آید. انسان باید زحمت بکشد، کار و تلاش کند، شعر خوب را بیابد، آن را حفظ کند و بخواند؛ البته امروز خوشبختانه معمول شده [است] که شعر

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ۱۰ دی ۱۳۶۹.

را از رو بخوانند. به نظر ما اشکالی هم ندارد؛ اما قدیمی‌ها عیب می‌دانستند که از رو بخوانند. البته اگر مداحان شعر را حفظ کنند، یک هنر اضافه هم خواهند داشت؛ اما اگر [هم] حفظ نکنند، اشکالی ندارد. مهم این است که شعر، خوب [و] متین [و] قوی و خوش‌مضمون باشد.^۱

۴-۱-۱-۲. ایجاد فضای مناسب برای نقد اشعار

رهبر معظم انقلاب: بحمد الله امروز ما خوانندگان خوب داریم. خدا را شکر که صاحب فکر و صاحب نظر سیاسی و صاحب انگیزه، زیاد است و در اشعار و خواندن‌های شما که در بعضی از مناسبت‌ها آن‌ها را می‌شنویم و مشاهده می‌کنیم، واقعاً چیزهای خوبی پیدا می‌شود؛ اما توجه کنید که نسبت به شعر سخت‌گیری کنید.

این جلسه، جلسه مناسبی برای اینکه من بنشینم و بگویم کدام بیت، اگر این‌طور بود، بهتر بود یا چه اشکالی داشت، نیست؛ اما این کار باید در مجامع ادبی انجام بشود. یعنی همین شعری که خودتان سروده‌اید و ممکن است خوب هم باشد، قضاوت کلی نمی‌کنم، آن را در یک مجمع ادبی، وسط بگذارید و به هرکسی که آن شعر را نقد کند و اشکال بجایی بر این شعر وارد نماید، جایزه بدهید تا قوی بشود یا از اشعار خوبی که دیگران دارند و یا از اشعار خوب خودتان استفاده کنید. سعی کنید این‌گونه سطح شعرها را بالا بیاورید.^۲

۴-۱-۱-۳. شاعر

رهبر معظم انقلاب: صوت و آهنگ به‌وسیله خود آقایان مداحان تأمین می‌شود؛ اما لفظ و معنا باید به‌وسیله شاعر تأمین شود. بعضی از الفاظ، زیبا و پُرطمطراق‌اند؛ اما حاصلی ندارند و چیزی از آن‌ها دست مستمع را نمی‌گیرد. بعضی از معانی، خوب و بلندند؛ اما با الفاظ

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۹ مهر ۱۳۷۷.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

رسایی بیان نمی‌شوند. این‌ها، همه می‌شود عیب.^۱

ربیع بن اعراب: ما غزلیات زیادی داریم. شما به دیوان صائب نگاه کنید. من یک وقت چند بیت از این اشعار را تصادفی انتخاب کردم و به بعضی از برادرهای مداح گفتم روی این‌ها کار کنید. دیوان صائب، غزل‌های بسیار خوب و مفیدی دارد که در دل‌ها اثر می‌گذارد. دیگران هم از این‌گونه اشعار دارند. بعضی از شعرا که امروز هم بحمدالله در شعرها آمده بود، درباره عبادت و خضوع و جهاد و تضرع و انفاق و جهاد ائمه علیهم‌السلام بیانات خیلی خوب و زیبایی داشتند.^۲

ربیع بن اعراب: خیلی از موضوعات هست که درباره این‌ها شعر هست؛ [ولی] کسی خبر ندارد. شما بروید مثلاً دیوان اقبال را نگاه کنید، حالا از دیوان اقبال یک تعداد شعرهایی معروف است: «هرکه پیمان با هوالموجود بست...»، این شعرهایش درباره امام حسین معروف است؛ اما این شاعر پاکستانی هرگز ایران‌راندیده، این قدر شعر در مفاهیم اسلامی، آن‌هم مفاهیم انقلابی اسلامی دارد که آدم گیج می‌ماند! یاد می‌آید، شاید حدود بیست سال قبل که این مسائل انقلابی اسلامی را در سخنرانی‌ها و بحث‌ها و مجالس درس می‌گفتیم، گاهی یک بیت، دو بیت شعری از ناصر خسرو، سعدی یا دیگران پیدا می‌کردیم. چقدر خوشمان می‌آمد! یادداشت می‌کردیم [و] از آن در سخنرانی‌ها استفاده می‌کردیم.

وقتی من با دیوان اقبال آشنا شدم، شاید سال ۴۵ یا ۴۶ بود، شعرهایی نظر من را جلب کرد. وقتی خواندن آن را آغاز کردم، دیدم این قدر شعرهایی با این مفاهیمی که ما می‌خواهیم، زیاد است که انسان تعجب می‌کند! مسائلی که گمان می‌کردیم آن‌ها را برای اولین بار به دنیا عرضه می‌کنیم و در جامعه‌مان مطرح می‌کنیم، همه این‌ها را این انسان بزرگ، به‌صورت شعر درآورده است. این را از باب مثال می‌گویم. الحمدلله شعرای خود ما هم امروز شعرهای خیلی خوبی می‌گویند. نمونه‌هایش را می‌شنوید

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

[یا] می بینید. بسیار جالب است.^۱

۴-۱-۲. آهنگ

رهبر معظم انقلاب منظره: هر آهنگ و آوازی به درد شما نمی خورد. آهنگ و آواز خاصی به درد شما می خورد؛ آن هم با شیوه بیان خاص مداحی. اگر کار، مهم نبود، من در بیان این جزئیات معطل نمی شدم؛ اما کار، خیلی مهم است. اگر این کار، خوب انجام بگیرد که بحمدالله ما در طول سال های متمادی، بسیاری از برادران را دیده ایم که این کار را خوب هم انجام می دادند و می دهند، نقش فوق العاده مؤثر و والایی در پیشرفت فکری و اعتقادی و اسلامی جامعه ما خواهد داشت.^۲

۴-۱-۲-۱. انتخاب یا ساخت آهنگ متناسب

رهبر معظم انقلاب منظره: خودتان آهنگ بسازید. این همه ذوق و این همه هنر وجود دارد. یقیناً در جمع علاقه مندان به این جریان، کسانی هستند که می توانند آهنگ های خوب مخصوص مداحی بسازند: آهنگ عزا، آهنگ شادی.^۳

رهبر معظم انقلاب منظره: این را هم عرض بکنم که آهنگ شادی از آهنگ عزا جداست. الان معمول شده [است] که برای روزهای عید، جلساتی تشکیل می دهند. بنده مخالف این کار نیستم؛ بد هم نیست که دست می زنند. البته اگر از رادیو بشنویم که بنده خودم گاهی از رادیو شنیده ام و شعر را درست گوش نکنیم، خیال می کنیم دارند سینه می زنند! هم لحن، سینه زنی است [و] هم آن دستی که می زنند، مثل زدن روی سینه است! این چه شادی ای شد؟!

اگر برای روزهای شادی، آهنگ های مناسب، نه آهنگ های میتدل، نه آهنگ های طاغوتی، نه آهنگ های حرام و نیز شیوه های خوب انتخاب کنند، مؤثرتر

۱. بیانات در دیدار با جامعه مداحان، ۱۱ اسفند ۱۳۶۴.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۰ دی ۱۳۶۹.

۳. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

و بهتر است. این طور نباشد که چون به روضه خوانی عادت کرده ایم، روز شادی هم که می خواهیم حرف بزیم، لحنمان بشود لحن روضه خوانی. قدیم ها می گفتند فالانی هرچه می خواند، مثنوی درمی آید. هر آهنگی را که شروع کند، مثنوی می شود! این طوری نباشد.^۴

۴-۱-۲-۲. به کارگیری نواهای اصیل ایرانی یا الگوبری از سبک ها و

آهنگ های غربی؟

ربیع‌المنتهای منظره: ما در قدیم از زبان موسیقی دان های معروف شنیده بودیم که می گفتند موسیقی اصیل ایرانی را نوحه خوان ها و شبیه خوان ها حفظ کرده اند. موافق خوان، مخالف خوان، علی اکبرخوان [و] قاسم خوان، هر کدام یک دستگاہی را به این ها می دادند که باید در آن دستگاہ بخوانند. این موجب شد که موسیقی نانوشتۀ ایرانی که نه نُت داشت، نه نوشته داشت و نه چیز دیگری داشت، بتواند برسد به دست کسانی که این ها را با نُت و شیوه های جدید بتوانند ثبت و ضبط کنند. حالا جوان امروز، چه خوانندۀ رادیو و تلویزیون که متأسفانه آنجا از این جهت وضع خوبی هم ندارد [و] چه خوانندۀ جلسۀ مداحی، ناگهان بیاید آهنگ های اروپایی را آن هم به شکل غلط و نابلد، بنا کند [به] خواندن! [مثلاً] سبک هایی که فرض کنید حالا فالان خوانندۀ غربی یا مقلد عرب آن غربی، یک وقتی خوانده [است]، ما این را از او یاد بگیریم و بنا کنیم خواندن که قبل از انقلاب هم متأسفانه همین کارها را کردند. موسیقی اصیل ایرانی را که می توانست نوع حلال هم داشته باشد [و] البته همان موسیقی اصیل، یک نوعش هم حرام است [و] فرقی بین ایرانی و غیر ایرانی نیست، همان را هم ضایع کردند. البته بعد از انقلاب، بهتر شد؛ اما حالا مثلاً مداح یا خوانندۀ ما بیاید در رادیو و تلویزیون به تقلید، آن هم غلط، آهنگ غربی یا آهنگ مجالس لهورا در مجلس ایمان و در مجلس معنویت تکرار کند، این درست نیست. این غلط است. نوآوری، درست؛

۴. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

اما نه این جور. این مربوط به آهنگ است؛ البته صدای خوب را می‌توان با آهنگ بد خراب کرد. صدای متوسط را [هم] می‌توان با آهنگ خوب آرایش داد. خود آهنگ، یک مسئله است.^۱

۳-۱-۴. صدای خوش

رهبر معظم انقلاب: اگر مداحی بتواند یک شعر خوب را که دارای مضمون و محتوای خوبی باشد، با صدای خوبی بخواند، شما ببینید که چقدر خدمت بزرگی است. بسم‌الله، این گوی و این میدان؛ منتها شرط اولش این است که شعر، خوب باشد. اگر شعر خوب نبود، همه این فضایی که ذکر کردم، هیچ‌کدام نخواهد بود. این نکته را بدانید. کسانی که این خصوصیات را داشته باشند، اگر یک قصیده را در مکان مناسب و با زبان و قالب و محتوای بایسته و حنجره‌ای مساعد بخوانند، شما ببینید که چه تأثیری خواهد گذاشت. البته این حنجره، مسئله مستحبی و نافله شعر است. فریضه‌اش همان شعر می‌باشد؛ یعنی چنانچه شعر با صدای خوش همراه شد، تأثیرش مضاعف می‌شود؛ اما در استخوان‌بندی این کار، صدای خوش، دخالتی ندارد. اگر صدای خوش بود و این شعر را با آن محتوای خوب و با آن الفاظ زیبا و با آن مضمونی که مورد نیاز است، همراهی کرد، ارزش آن دوبرابر می‌شود. یقیناً قصیده‌ای را که کسی این‌گونه بخواند، ارزش آن از یک سخنرانی یک‌ساعته یک آدم دانشمند بیشتر است.^۲

۲-۴. تعقل

رهبر معظم انقلاب: ... عنصر دوم [لازم برای مداحان]، عنصر تعقل است؛ چون منطق، استدلال، حرف حساب، حرف درست و حرف خوب در لابه‌لای این شعرها فراوان وجود دارد و می‌تواند ذهن‌ها را قانع کند. البته منطق، شکل‌های مختلفی دارد:

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

گاهی برهانی است، گاهی خطابی است، گاهی شعری است. مقصود این است که بتواند این پیام را به اعماق ذهن مخاطب برساند و او را قانع کند.^۱

۳-۴. پیام دینی و معنوی

ربِّمْظَلَمَاتٍ مِنْظَلَمَةٍ... خصوصیت سوم این است که شما حامل پیام دینی محسوب می‌شوید؛ یعنی سمت معنوی و روحانی دارید. در دنیا خوانندگان خوب زیاد هستند و ممکن است شعرهای خوبی هم بخوانند؛ اما آن‌ها از موضع مداح حرف نمی‌زنند؛ ولی شما از موضع مداح اهل بیت و از موضع معنوی و روحانی حرف می‌زنید.^۲

۱-۳-۴. منابع و سند محتوای شایستهٔ ارائه

ربِّمْظَلَمَاتٍ مِنْظَلَمَةٍ: سعی کنند که نوحه‌ها و شعرها و روضه‌خوانی‌ها پرمغز و دارای مضامین صحیح و متکی به آثار واردهٔ معتبره از ائمه علیهم‌السلام یا علمای بزرگ باشد.^۳

ربِّمْظَلَمَاتٍ مِنْظَلَمَةٍ: یکی از برادران گفتند: «که اگر غلط است، بگوئید تا نخوانیم.» بنایمان این نیست که هرچه را در آن شک داریم و یا قبول نداریم، بگوئیم نخوانند؛ و الا اگر ما بخواهیم همین‌طور بگوئیم این غلط است و نخوانید، می‌ترسیم که برادران در خواندن، خیلی محدود بشوند!

دنبال این نباشید که چیزی که در متن تاریخ اثبات شده است، آن را بخوانید؛ چون هیچ چیز نمی‌توانید بخوانید؛ تازه آنچه که در لَهوف ابن طاووس هست، خبر واحد است دیگر. توجه کنید، چیزی را بخوانید که معقول باشد؛ البته، نه اینکه انسان هرچه معقول است، از خودش بسازد و بخواند! نه، آن را به اصول و واقعیت‌هایی متکی کنید.

البته گزارهٔ هر حدیثی، وقتی که هنری باشد، با پیرایه‌هایی همراه خواهد بود. آن پیرایه‌ها ایرادی ندارد؛ منتها به شرط اینکه آن پیرایه‌ها همه چیز نشود. اصل را بایستی

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۹ مهر ۱۳۷۷.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۹ مهر ۱۳۷۷.

۳. پاسخ به نامهٔ امام جمعهٔ وقت اردبیل حجة الاسلام والمسلمین مروج، ۲۷ خرداد ۱۳۷۳.

از واقعیت‌هایی که هست، گرفت؛ منتها آن را با بیان هنری، پیرایه لازم بخشید و گفت. حالا شاید مجال نباشد که در این باره صحبت بکنیم؛ لیکن این‌ها حرف‌هایی است که باید بالاخره گفته و شنیده بشود و تکرار گردد.

در دعاها و زیارت‌های ما، تعبیرات عاشقانه و خیلی خوبی هست که حقایقی را نشان می‌دهد. این‌ها را محور باید قرار داد. آنچه را که مثلاً شیخ و ابن طاووس و مفید و دیگر بزرگان، در کتاب‌هایشان گفته‌اند، این‌ها را بایستی محور قرار داد؛ بعد آن‌ها را در یک ارایه هنری، به شکل زیبا و شایسته‌ای بیان کرد. حالا در آن شکل بیان، هرکسی سلیقه‌ای دارد؛ آن ایرادی ندارد. نقش شما، نقش بسیار مهمی است. من اصرار دارم که این نکته را برای برادران عزیز مداح، چه آن‌هایی که به صورت حرفه‌ای مداح هستند [و] چه آن کسانی که گاهی در کنار کارهایشان این کار را انجام می‌دهند، تکرار بکنم که این نقش، نقش بسیار مهم و حائز اهمیت و حساسی است. این را کم نگیرید.^۱

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۰ دی ۱۳۶۹.

۵. مسئولیت‌های مداحان و ذاکران

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: بنده در طول این سال‌هایی که این جلسه را داشته‌ایم که الان بیست و چند سال است که هر سال، ما این جلسه را با مداح‌های محترم داشته‌ایم، از زمان ریاست جمهوری من، سال‌های دهه شصت که هر سال این جلسه بوده [است]؛ هر سال ما یک کلمه راجع به مسئله مدح و مداح و ذاکر و این‌ها عرض کرده‌ایم. نمی‌خواهم این‌ها را تکرار کنم؛ می‌خواهم عرض بکنم برادران مداح اهمیت این کار را درک کنند. وقتی اهمیت معلوم شد، به موازات اهمیت، مسئولیت است. [مداحان باید] مسئولیت این کار را درک کنند. مسئولیت یعنی چه؟ یعنی از ما سؤال خواهند کرد. در دعای مکارم الاخلاق می‌خوانید: «وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلْنِي غَدًا عَنْهُ»؛^۱ فردا در روز قیامت، از من سؤال خواهی کرد. پروردگارا، حالا کمک کن که آن چیزی را که بنیاست فردا از من سؤال کنی، من جوابش را امروز در عمل خودم آماده کنم. معنای این فقره دعا این است؛ پس شما مسئولیت دارید. این مسئولیت، یعنی سؤال می‌کنند. کاری کنیم که عمل ما بتواند پاسخ‌گوی آن سؤال باشد.

وقتی این معلوم شد، آن وقت می‌رویم سراغ اینکه حالا چطور؟ همه حرف‌هایی که ما زدیم، حرف‌هایی که افراد پُرمسئولیت [و] دانا [و] فهیم در جامعه مداحان بر زبان آوردند، جلسه درست کردید، مطالبی گفتید، در پاسخ همین سؤال است که چه کار بکنیم؟ این «چه کار بکنیم»، یک کلمه‌ای است که یک کتاب، جواب دارد.^۲

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: من بارها این مطلب را به شما عرض کرده‌ام که زُتبت مداحی و منبر مداحی، یکی از باشرف‌ترین رتبه‌ها و منبرهاست. در این زمینه، ما خیلی صحبت کرده‌ایم که دیگر نمی‌خواهیم تکرار کنیم. امروز هم بحمدالله اقبال مردم و جوان‌ها به نوای مداحان، اقبال خوبی است. می‌بینید مردم استقبال می‌کنند، علاقه نشان می‌دهند، اجتماع می‌کنند، صحبت می‌کنند، پول می‌دهند؛ این یک موقعیت است.

۱. امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، دعای بیستم.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.

موقعیت وقتی حساس شد، وظیفه، حساس و خطیر می‌شود.^۱

۵-۱. وظایف شخصی مداحان

۵-۱-۱. تهذیب نفس

ربِّمْظَلَمَ نَفْسًا: مولوی تمثیل خوبی دارد. او می‌گوید: «آبی که خلائق از آن استفاده می‌کنند، [با آن] خودشان را پاک و باطراوت و پاکیزه می‌کنند و کلاً به وجود، پاکیزگی می‌دهد؛ اما خود این آب هم به پاکیزه شدن احتیاج دارد.» آن کسی که آن آب را پاکیزه می‌کند، همان قوهٔ فرونهاده در خلقت الهی است که او را بالا می‌کشد و به ابر و باران و آب خالص و پاک و طاهر تبدیلش می‌کند و دوباره به پایین برمی‌گرداند. [این] همان آب قبلی است؛ منتها پاک شده [است]. به برکت عروج و علو و تبدیل شدن و استحاله، یک گردونهٔ تصفیه و تزکیه‌ای در آن هست. مولوی می‌گوید هر اهل معرفتی هم اگر این استحاله و عروج گاه‌گاهی را نداشته باشد، هرچند که خود، وسیلهٔ پاکی و طهارت و نزاهت و زیبایی و آراستگی دیگران می‌شود؛ اما این سرمایه‌ها را خودش به تدریج از دست می‌دهد.

پس سعی کنیم که اول، این پالایش درونی هیچ‌وقت متوقف نشود. هرکس هم که هستیم، فرقی نمی‌کند. من که این مطالب را می‌گویم، به این پالایش درونی، از شما محتاج‌ترم. نه اینکه خیال کنیم این حرف‌ها تعارف است؛ واقعیت است. بنای بر تعارف نیست، حقیقت قضیه این است. همهٔ ما احتیاج داریم و من به این پالایش، بیشتر از شما احتیاج دارم. اگر این پالایش انجام نگیرد، این آبی که یک روز در آن دست می‌زدید، دست تمیز می‌شد؛ صورت را می‌شستید، تروتازه می‌شد؛ همین آب، به چیزی تبدیل خواهد شد که دیگر شما حاضر نیستید دستتان را در آن بزنید. آبی که دست‌ها و صورت‌ها و بدن‌ها از آن باطراوت شده است، اگر تصفیه نشود، پس از

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

چندی، طوری خواهد شد که دیگر انسان رغبت نمی‌کند به آن دست بزند و نزدیکش بشود! پالایش می‌خواهد. ما باید خودمان از درون پالایش بشویم.^۱

۵-۱-۲. زیادکردن سرمایه محبت خود به اهل بیت علیهم‌السلام با عمل و

پیوستگی عملی با این بزرگواران

ربمظالمنا من ظلمنا به محبت دوردور و احساس محبت اکتفا نکنیم؛ این احساس را در زندگی پیاده نماییم. اگر محبت نباشد، این رابطه عملی به وجود نمی‌آید. در سایه آن محبت، می‌شود این پیوند و پیوستگی عملی را به وجود آورد؛ اما بدون این پیوستگی و پیوند عملی، اصل آن محبت زیر سؤال خواهد رفت. **﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾**^۲؛ دنباله محبت، باید اطاعت و متابعت باشد. ... شما مداحان و گویندگان فضایل اهل بیت علیهم‌السلام، بهترین کسانی هستید که می‌توانید حلقه عمل را به حلقه محبت، وصل کنید و یک سلسله و زنجیره واقعی به وجود بیاورید. تا کسی اهل محبت نباشد، قاعدتاً وارد این وادی ای که شما هستید، نمی‌شود. آن کسی که قدم در این وادی می‌گذارد، لابد مایه محبت و استعداد و قابلیت در او هست. آنچه وظیفه هر انسانی است، این است که سرمایه‌ها را زیاد کند. سعی کنید این سرمایه محبت و معرفت زیاد بشود. هرکس در هر سطحی که هست، باید خودش را بالا بکشد؛ و الا تمام می‌شود. برادران، این سرمایه‌های معنوی هم مثل سرمایه‌های مادی است که گاهی تمام می‌شود. اگر به آن اضافه نکردید، تمام خواهد شد. ... اما اصل قضیه این است: شما که آن محبت را از درون خود می‌جوشانید و از کلمات دیگران و از اشعار شعرا و از سروده‌های خوب استفاده می‌کنید و بعضی از شما حتی سروده‌های خودتان را بیان می‌کنید، بدانید که نقش بسیار بسیار والایی دارید.^۳

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۰ دی ۱۳۶۹.

۲. «بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا [نیز] شما را دوست داشته باشد» (آل عمران، ۳۱).

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۰ دی ۱۳۶۹.

۵-۱-۳. شناخت نقش خود، در جنگ فرهنگی

ربیع بن ریحان رضی الله عنه: امروز تمام مراکز و قطب‌های قدرت فکری و تبلیغات دنیا دارند طراحی می‌کنند که چطور بتوانند این ریشه‌ماندگار و محکمی را که در این سرزمین جا گرفته و این ایمان اسلامی، این پابندی به تعهد اسلامی و قرآنی و این دل‌های مؤمن را از هم بپاشند. شما اینجا نشسته‌اید خیال می‌کنید که همین‌طور زندگی دارد می‌چرخد. نه آقا! یک جنگ است. یک جنگ حقیقی است الان بین این جامعه: این نظام [و] متفکران این نظام [و] فعالان این نظام در رده‌های مختلف، از جمله خود شما که مداح مجموعه کشور هستید از یک طرف، با یک طرف دیگر: کسانی که می‌خواهند ریشه این ایمان را از این خاک مقدس و از این دل‌های پاک در بیاورند؛ چون فهمیده‌اند آن نظامی، آن بنایی که بر این اساس شکل گرفته [است]، با منافع سودجویانه و زورگویانه و زیاده‌خواهانه این‌ها سازگار نیست، با دست‌اندازی و سیطره‌طلبی دنیای استکبار بالاخره کنار نخواهد آمد. این را فهمیده‌اند. دنبال این‌اند که فکر توحیدی را، فکر ولایت را، محبت اهل بیت را، محبت به قرآن را، تعصب و غیرت نسبت به مبانی دینی و اعتقاد به مبارزه با ظالم را، اعتقاد به قبح و زشتی ظلم‌پذیری را از دل این مردم با انواع حيله‌ها بیرون بکشند. انواع و اقسامش را دارند انجام می‌دهند و آن را بیان هم می‌کنند.

آن چیزی که آن‌ها می‌خواهند، برهم‌زدن پایه مستحکم فکری است که بر این مردم، بر این دل‌ها، بر این روح‌ها کاملاً تسلط دارد و این جهت صراط مستقیم، آن را هدایت می‌کند. هدفشان این است، غرضشان این است.

این پول‌هایی که می‌گویند، می‌خواهند صرف این کار بشود. این پول‌ها صرف بمب و گلوله و این‌ها خیلی نمی‌شود؛ عمده، صرف همین کارهای تبلیغاتی، همین کارهای فرهنگی با شکل‌های مختلف می‌شود؛ البته از این طرف هم، مقاومت و بلکه هجوم می‌شود؛ بنابراین یک جنگ است. در این جنگ، طبقه‌ای که با ایمان مردم، با دل مردم، با معارف مردم، با نام مبارک ائمه و اهل بیت رضی الله عنهم سروکار دارد، وظیفه سنگینی

دارد. برادران عزیز، این وظیفه را درست بشناسند؛ درست از آن استفاده کنند.^۱

۵-۲. وظایف مداحان در قبال مخاطبان

۵-۲-۱. افزایش ایمان مخاطب

رب‌مظفر علیه السلام: وقتی شعر را می‌خوانیم، به فکر باشیم که از این شعر ما، ایمان مخاطبان ما زیاد شود؛ پس، هر شعری را نمی‌خوانیم، هر جور خواندنی را انتخاب نمی‌کنیم: جوری می‌خوانیم که لفظ و معنا و آهنگ، مجموعاً اثرگذار باشد. در چه؟ در افزایش ایمان مخاطب. این البته گفتنش آسان است [که] آدم بالای گود بشیند و یک دستوری به آن پهلوان وسط گود بدهد. عمل کردنش سخت است؛ اما شماها می‌توانید عمل کنید. شماها صدایتان خوب است، حافظه‌تان خوب است، نیرو و نشاطان خوب است؛ [پس] می‌توانید همه این کارهایی را که گفتم، انجام بدهید.^۲

۵-۲-۲. شکرگزاری به خاطر نعمت تولای اهل بیت علیهم السلام

رب‌مظفر علیه السلام: یک وقت است که کسی از داشتن نعمتی بی‌بهره است و در مقابل نعمت نداشته، از او سؤال هم نمی‌شود؛ اما یک وقت کسی از نعمتی بهره‌مند است و از آن نعمتی که دارد، از وی سؤال می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها، نعمت خاطره و یاد حسین بن علی علیه السلام، یعنی نعمت مجالس عزا، نعمت محرم و نعمت عاشورا برای جامعه شیعی ماست. متأسفانه برادران غیرشیعی ما از مسلمین، خود را از این نعمت برخوردار نکردند؛ اما می‌توانند از این نعمت بهره‌مند شوند و امکانش هم وجود دارد. البته بعضی از مسلمین غیرشیعه در گوشه‌وکنار، ذکر محرم و عاشورا را دارند؛ ولی آن‌گونه که باید و شاید، بینشان رایج نیست؛ درحالی‌که بین ما رایج است. اکنون که ذکر محرم و عاشورا و یاد و خاطره امام حسین علیه السلام در بین ما رایج است،

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.

از این ذکر و خاطره و جلسات بزرگداشت، چه استفاده‌ای باید کرد و شکر این نعمت چیست؟^۱

رَبِّهِمْ عَظِيمًا منظره: خیلی خدا را شکر کنیم. در بعضی از این شعرهایی هم که دوستان خواندند، همین معنا بود. نعمت بزرگی است تو لای فاطمه زهرا و صدیقه کبری (سلام الله علیها) برای ما. خدا را شکر که او را شناختیم، خدا را شکر که خودمان را به ذیل عنایت او متوسل کردیم و خدا را شکر که نعمت وجود او را قدر دانستیم، به او توسل جستیم، از او معرفت خواستیم [و] به او محبت ورزیدیم. این‌ها نعمت‌های بزرگ خداست. این‌ها را باید حفظ کنیم.^۲

۵-۲-۳. پرکردن خلأهای معرفتی اخلاقی و سیاسی اجتماعی جوانان

رَبِّهِمْ عَظِيمًا منظره: شما ببینید امروز نسل جوان شما، چه دخترهاتان، چه پسرهاتان و جامعه شما، از خلأ کدام معرفت رنج می‌برند و آسیب می‌بینند؟ از کمبود کدام عنصر سازنده اخلاقی رنج می‌برند؟ آن عنصر اخلاقی را در وجود فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و در فضایل آن بزرگوار و این وجودهای مقدس پیدا کنید و به زبان شعر که زبان هنر هست، آن را القا و بیان کنید.

ببینید ما در زندگی سیاسی و اجتماعی مان به کدام درس اهل بیت احتیاج داریم؛ آن را از زندگی این بزرگواران و این بزرگوار به خصوص، استخراج کنید و با زبان شعر بیان کنید. این‌ها لازم و مهم است.^۳

۵-۲-۴. اکتفانکردن به اظهار ارادت به اهل بیت و درس گرفتن از آن

بزرگواران

رَبِّهِمْ عَظِيمًا منظره: این جور نیست که ما برای عظمت فاطمه زهرا  درمانده باشیم که

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا ، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا ، ۱۷ مرداد ۱۳۸۳.


چه جور این عظمت را بیان کنیم و متوسل بشویم به شعر، نثر و یا کلامی؛ نه، بلکه ما به آن عظمت احتیاج داریم. این خورشید متألئی و درخشان، به همه موجودات عالم سود می‌بخشد و حالا گوشه آفتابش هم داخل خانه ما افتاده است. ما باید ببینیم از این چه جوری می‌توانیم استفاده کنیم. آن خورشید که خیلی بالاتر است؛ حالا ما ساعت‌های متمادی بنشینیم و راجع به توصیف این خورشید که درست هم نمی‌دانیم چه هست و ذهن ما به آن نمی‌رسد، حرف بزنیم، شعر بگوییم، بخوانیم؛ اما نرویم زیر این آفتاب بنشینیم تا بدنمان را گرم کنیم [و] جسممان را رشد بدهیم و حیات خودمان را تقویت و تأمین کنیم! اینکه عاقلانه نیست. ^۱ شأن این بزرگوار و این بزرگوارها خیلی بالاست...


... صرف مدح گفتن که الفاظ آن مدح هم گاه الفاظ مبهمی است که نه شنونده درست می‌فهمد که محصول این مدح چه شد و نه گاهی خود گوینده، کافی نیست. ما باید اظهار ارادت بکنیم و این اظهار ارادت، کمال ماست: «مدح خورشید، مدح خود است»؛ اما به این نباید اکتفا کنیم. ما باید ببینیم امروز چه درسی از این بزرگوارها می‌شود بگیریم. مبلغ هم وظیفه دارد، هنرمند هم وظیفه دارد، فیلم‌ساز هم وظیفه دارد، گردانندگان سینمای کشور هم وظیفه دارند، گردانندگان تلویزیون کشور هم وظیفه دارند، منبری‌ها هم وظیفه دارند، مداح جماعت هم وظیفه دارد. من می‌خواهم بگویم شما وظیفه خودتان را در کنار این وظایف سنگینی که بر دوش همه ماست، بازیابی کنید؛ این توصیه من به برادران عزیزم است که همیشه از آن‌ها درخواست می‌کنم و با آن‌ها در میان می‌گذارم.^۲

ربیع‌الطیب: این روایاتی که در کافی شریف و بعضی از کتب دیگر در باب علامات


۱. «لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ الْإِحْتِيَادَ فِي الْعِبَادَةِ اِتِّكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ لَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ اِتِّكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرَ؛ مبادا اعمال صالح و سخت‌کوشی در عبادت را با تکیه به دوستی آل محمد ﷺ رها کنید و مبادا دوستی و تسلیم‌بودن در برابر اوامر آل محمد ﷺ را با تکیه به عبادت از دست بدهید؛ زیرا هیچ‌کدام از این دو، بدون دیگری پذیرفته نمی‌شود» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۷ و ۳۴۸).

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا ﷺ، ۱۷ مرداد ۱۳۸۳.

شیعه هست، ناظر به همین است؛ یعنی شیعه بایستی آن طوری عمل کند. ما باید زندگی آن‌ها را در زندگی خود، ولو به صورت ضعیف، نمایش بدهیم. ما و از ما بزرگ‌ترها کجا، آن آستان بلند کجا! معلوم است که ما حتی به حدود دوردست او هم نمی‌رسیم؛ اما باید تشبیه کنیم. نمی‌شود در نقطه مقابل زندگی اهل بیت حرکت کنیم، ولی ادعا کنیم که ما جزو موالیان اهل بیت‌ایم! ^۱ چنین چیزی ممکن است؟! فرض بفرمایید کسی در زمان امام بزرگوار ما، از دشمنان این ملت که امام دائم علیه آن‌ها حرف می‌زد، تبعیت می‌کرد. آیا او می‌توانست بگوید من تابع امام هستم؟! اگر چنین چیزی از زبان کسی صادر می‌شد، آیا شماها نمی‌خندیدید؟! همین قضیه در باب اهل بیت  هم هست. ^۲

ربِّ عظیم‌المنزل  بنای حق باید مرتفع باشد. گمان نکنید که اگر باطل به خاطر زوال‌پذیری‌اش از بین رفت، حق، به‌خودی‌خود و بدون تلاش، در دنیا عَلم خواهد شد. ابتدا! باطل دیگری سر جایش می‌آید؛ مگر آن وقتی که حق، خود را آن‌چنان که هست، عرضه کند. این باطل‌ها مرتب پشت سرهم می‌آیند و می‌روند: مرتب به‌وجود می‌آیند و از بین می‌روند. طبیعت باطل، زایل شدن و از بین رفتن است. گمان نشود که اگر باطل از بین رفت، ممکن است اسلام یا حق، بدون تلاش و مجاهدت، بدون تعریف و تبیین، بدون زحمت کشیدن من و شما، در دنیا جایگزین باطل‌ها بشود! نه، بسته به این است که من و شما چه کار کنیم.

پس، باید از اهل بیت همچنان درس گرفت، همچنان این درس‌ها را به مردم داد [و] همچنان تربیت کرد تا بر اثر این کوشش‌ها، مَرُّ حق و لُبُّ حق بتواند جانشین باطل‌ها بشود. ^۳

۱. امام باقر  فرموده‌اند: «یا جَابِرُ بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ...؛ ای جابر! به شیعیانم از طرف من سلام برسان و به آن‌ها بگو که هیچ رابطه [و فامیلی] بین ما و خدا نیست و کسی به خدا نزدیک نمی‌شود؛ مگر با اطاعت او. ای جابر، هرکه از خدا اطاعت کند و ما را دوست داشته باشد، دوست ماست و هرکه خدا را عصیان کند، دوستی ما برای او سودی نخواهد داشت» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۷۹).

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا ، ۵ دی ۱۳۷۰.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا ، ۵ دی ۱۳۷۰.

۵-۲-۵. تقویت و جهت‌دهی عواطف عمومی به سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام
 عاطفه مردم ما و پیوندشان با ائمه علیهم‌السلام و عشقشان که در شادی آن‌ها حقیقتاً شاد می‌شوند
 و در عزای آن‌ها حقیقتاً محزون و غمگین می‌شوند، چیز بسیار مهمی است. حفظ و تقویت
 و پالودن و پیراستن و جهت‌دادن و هدایت این، برعهده کسانی از برگزیدگان، از جمله همین
 سلسله محترم مداحان که دارای این منصب عالی هستند، می‌باشد.^۱

۵-۲-۶. ارائه محتوای پرمغز در همه مجالس
رهبر معظم انقلاب: وظیفه و مسئولیت بزرگ جامعه مداح این است که مطالبش پرمغز و
 پرمحتوا باشد و به شیوه درست، این را اداره کند؛ هم در مصیبت و مدایح و هم در عزا
 و جشن. باید مطالب با شکل‌های مختلف و در قالب‌های مختلف بیاید.^۲
رهبر معظم انقلاب: کسی که مداحی می‌کند، باید خودش را در روی منبر ببیند و مستمعان
 را کسانی مشاهده کند که می‌خواهند از او چیزی بیاموزند. با این نیت و انگیزه، پشت
 تریبون یا منبر مداحی قرار گیرد.

صدای بعضی از آقایان مداحان، خوب است؛ ولی با خواندن آن‌ها انسان چیزی
 یاد نمی‌گیرد؛ اما بعضی نه؛ وقتی شعر می‌خوانند، معرفتی را به ما می‌آموزند. آنچه که
 می‌آموزیم، بهتریش آن چیزی است که ما به آن نیاز داریم. گاهی کلمات مدح‌آمیزی
 از ائمه علیهم‌السلام پشت سرهم می‌آوریم که نه درست مستمع به عمق این کلمات می‌رسد،
 نه با فهمیدن آن کلمات، چیزی بر معرفت او اضافه می‌شود. این‌ها ارزش چندانی
 ندارد. اما گاهی مداحی که شعر می‌خواند، درس فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)، درس
 امیرالمؤمنین و درس امام حسین علیه‌السلام را به ما منتقل می‌کند؛ در نتیجه، راه ما روشن
 می‌شود. این بسیار ارزش دارد.^۳

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها، ۱۷ مرداد ۱۳۸۳.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۵-۲-۶-۱. بیان معارف دینی

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: باید کسانی که این‌ها [روضه‌خوانی، مداحی، نوحه و سینه‌زنی] را تهیه می‌کنند، می‌سرایند و می‌خوانند، مواظب باشند که درست برطبق معارف اسلامی حرف بزنند تا این سینه‌زنی، این روضه‌خوانی و این نوحه‌خوانی، قدمی در راه عروج مردم به اوج قله افکار اسلامی باشد. این، امروز برای ما لازم است.^۱

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: یک منبر تبلیغاتی بسیار مهم، عبارت است از همین جلسات حسینی و حسینیه‌ها و سینه‌زنی‌ها و دستجات مذهبی. از این منبر، والاترین معارف و فوری‌ترین و لازم‌ترین مطالب را می‌شود بیان کرد.^۲

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: مبدا پانصد نفر، هزار نفر، گاهی ده‌هزار نفر در جلسه‌ای جمع شوند و یک ساعت برای آن‌ها نغمه‌سرایبی شود؛ اما چیزی به آن‌ها داده نشود. شما در این یک ساعت می‌توانید نکات زیادی را با شعر خوب منتقل کنید.^۳

۵-۲-۶-۲. توجه و بیان نیاز زمان

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: ما باید بدانیم که اگر فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) امروز در بین ما ظاهر می‌شدند و یک ساعت، دو ساعت و یا یک روز در بین مردم می‌آمدند، ما را به چه چیزی امر می‌کردند؟ انگشت اشاره به کدام راه از راه‌هایی که در مقابل ما گشوده است، دراز می‌کردند و به ما می‌گفتند که از این راه بروید؟ ما باید آن را دنبال کنیم و در تبیین و تعلیم و معرفتی که می‌خواهیم به مستمع بدهیم، آن را ملاحظه کنیم و نیاز زمان را پُر کنیم.^۴

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: اعتقاد من این است که اگر شعرای عزیز ما، همچنانکه امروز خوشبختانه، هم در سرود دسته‌جمعی و هم در بعضی از شعرهایی که قبلاً آقایان

۱. بیانات در جمع علما و طلاب و روحانیان، در آستانه محرم، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲.

۲. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۷ اسفند ۱۳۸۳.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۴. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

خواندند، همین معنا انصافاً تأمین شده است، لفظ و معنا را برای بیان معرفتی که امروز جامعه ما نیاز دارد تا از مکتب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تعلیم بگیرد، به کار گیرند و آن را مداح، با صدای خوش و آهنگ مناسب با این کار عرضه کند، یکی از بهترین انواع تبلیغ و ترویج صورت گرفته است؛ یعنی همان «دعبل» و «فرزدق» و «کمیت» تاریخ در اینجا ظهور و تجلی پیدا کرده است. ارزش، همان ارزش خواهد بود و می تواند اجرهای بزرگ الهی را به دنبال خود داشته باشد.^۱

۵-۲-۶-۳. اختصاص بخشی از اشعار به توصیه های اخلاقی

رب معظم اعظم علیه السلام: نباید بگذارید منبر ده دقیقه ای یا بیست دقیقه ای شما از معارف خالی بماند. امسال دیدم بعضی از برادران مداح، در ماه محرم و در دهه فاطمیه، بحمد الله این نکته را رعایت کرده بودند. در منبر مداحی حتماً در اول، فصلی اختصاص دهید به نصیحت یا بیان معارف به زبان زیبای شعر. اصلاً رسم مداحی از قدیم این طوری بوده است. الان یک مقدار آن رسم ها کم شده [است]. مداح در اول منبر، یک قصیده، یک ده بیت شعر، کمتر [یا] بیشتر، فقط در نصیحت و اخلاق، با الفاظ زیبا خطاب به مردم بیان می کرد؛ مردم هم می فهمیدند و اثر هم می گذارد.^۲


رب معظم اعظم علیه السلام: شما پیوند عاطفی مردم با ائمه علیهم السلام را حفظ کنید که یک بخش آن هم مسائل اخلاقی است. یک بار به مناسبت، در اینجا گفتیم که بعضی از این غزلیات، مثلاً غزلیات صائب، درباره مسائل اخلاقی است که به نظرم نمونه هایش را هم، در آن وقت برایتان خواندم. این، اهمیت و ارزش کار را نشان می دهد. شاعری که بگوید و مداح و خواننده ای که آن را بخواند، تأثیر خوبی خواهد گذاشت. ان شاء الله برادران در این خصوص همت کنند.^۳

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

۵-۲-۶-۴. بیان برجستگی‌های عملی زندگی اهل بیت

رب‌مبطل : زندگی امیرالمؤمنین را بیان کنیم تا بین او و خصوصش در تاریخ و امروز مقایسه شود. این، چیز کمی نیست که یک نفر حاکم باشد و تمام ازمه قدرت، بیت‌المال و شمشیر و نفوذ کلمه، در کف اقتدار او باشد؛ اما زندگی شخصی او آن چنان باشد که به یاران نزدیکش بگوید: شما نمی‌توانید این قدر سخت زندگی کنید: «أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ.»^۱ غذای او طوری باشد که راوی از اصحاب امیرالمؤمنین، به قنبر، خادم آن حضرت بگوید: «چرا این نان جوین سخت خشک را به این پیرمرد می‌دهی؟» و قنبر در جواب بگوید: «من این کار را نمی‌کنم، خود او می‌کند. اوست که این نان و یا آرد جو را در داخل کیسه‌ای می‌گذارد و در آن را می‌بندد و گاهی هم مهر می‌کند که کسی باز نکند و آن را با شکر یا روغن یا قاتقی مخلوط نکند!» «أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدِ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيْهِ وَ مِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيْهِ.»^۲ این، زندگی اوست. این را بیان کنید.

کسانی که امروز در دنیا، داعیه حمایت از مظلومان و مستضعفان و ملت‌ها و آزادی و حقوق بشر دارند، چگونه زندگی می‌کنند؟ آیا در جوامع آن‌ها فقیر و مستمند نیست؟ آیا سرگرسنه‌بر بالین نهاده نیست؟ این‌ها را بگویید. این‌ها را بیان کنید. امروز، شما خوب می‌توانید این‌ها را تصویر کنید. اول برای خود و بعد برای دیگران تصویر کنید. جهاد امیرالمؤمنین، چیز مهمی است. از دوران کودکی، مثلاً از سن یازده یا سیزده سالگی که او به‌عنوان یک انسان خودش را درک کرد، تا آخر عمر با دشمنان خدا مشغول مبارزه بود و بالاخره در این راه هم جان داد. یک شاعر، چقدر خوب می‌تواند این را بیان کند! یک گوینده، چه قدر خوب می‌تواند این را در ذهن‌ها و تا آن اعماق دل مردم نفوذ بدهد!^۳

رب‌مبطل : عزیزان من، شما که بلبلان گلزار فاطمی و مداحان اهل بیت 

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲. «همانا امام شما از دنیای خود، به دو جامه و از طعام آن، به دو گرده نان بسنده کرده است» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

۳. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا ، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

و سرایندگان ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾^۱ هستید، هرچه می‌توانید روی این نکات تکیه کنید؛ به‌خصوص از سروده‌های بعضی سرایندگان بسیار خوب، استفاده کنید. امروز واقعاً شعر و سرود خوب و زیبایی انشاد و اجرا شد. مضامین شعر هم بسیار خوب و بی‌نقص بود. هرچه می‌توانید، این اشعار و اشعاری را که برای مردم می‌خوانید، از این مضامین سازنده و جهت‌بخش و هدایتگر پر کنید.

کافی نیست که مرتب بگوییم این ستاره درخشنده است؛ گرچه این درخشندگی‌ای که ما می‌بینیم، پرتوی از آن درخشندگی وصف‌ناپذیر است. از همین پرتو آن ستاره درخشان، باید اهتدا پیدا کنیم.^۲

۱. «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک کند» (احزاب، ۳۳).

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به‌مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (ع)، ۳ آذر ۱۳۷۳.

۶. آفات و انحرافات مداحی

رب‌مبطل انظار منظله: روضه‌خوانی هم شرایط دارد. مداحی هم شرایط دارد. نوحه‌سینه‌زنی خواندن هم شرایط دارد. باید کسانی که این‌ها را تهیه می‌کنند [و] می‌سرایند و می‌خوانند، مواظب باشند که درست برطبق معارف اسلامی حرف بزنند تا این سینه‌زنی، این روضه‌خوانی و این نوحه‌خوانی، قدمی در راه عروج مردم به اوج قله افکار اسلامی باشد. این، امروز برای ما لازم است. باید سعی کنند که از اباطیل و مطالب خلاف و کارهای ناشایسته و بعضی از کارها که وهن مذهب است و حقیقتاً شایسته دستگاه حسین بن علی علیه السلام نیست، اجتناب شود.^۱

۶-۱. مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معنا

رب‌مبطل انظار منظله: حدود بیست سال پیش، این حرف‌ها را می‌زدیم و خیلی، آن‌ها را می‌شنیدند؛ ولی نمی‌فهمیدند که ما چه می‌گوییم. می‌گفتیم فقط درباره‌ی خال و خطِ خیالیِ چهره‌ی ائمه علیهم السلام شعر نسرایید. شعرگفتن درباره‌ی زلف و ابرو و چشم و عارضِ امام که تعریف نیست. حالا ابروی امیرالمؤمنین (صلوات‌الله‌علیه) کمانی باشد یا نباشد؛ مگر در شخصیت او چقدر اثر می‌گذارد؟! زلف او افشان باشد یا نباشد؛ مگر چقدر اثر می‌گذارد که حالا بیاییم در قصیده‌ای که می‌خواهیم راجع به امیرالمؤمنین بسراییم، از زلف امیرالمؤمنین بگوییم! البته، حالا به نظرم کم شده است. ان‌شاءالله که الان این چیزها نباشد. وقتی می‌گفتیم چرا این‌ها را می‌گویید، تعجب می‌کردند و می‌گفتند: «پس چه بگوییم؟» می‌گفتیم از مسائل زندگی و برجستگی‌های عملی علیه السلام بگویید. در آن روز، این مسائل برایشان روشن نبود؛ اما امروز چگونه است؟! امروز، برای همه روشن است.^۲

رب‌مبطل انظار منظله: چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگانِ جلسات مداحی اطلاع پیدا

۱. بیانات در جمع علما و طلاب و روحانیان، در آستانه‌ی محرم، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۲۸ دی ۱۳۶۸.

کردم، استفاده از مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معناست که گاهی هم مضر است. فرض کنید [وقتی که] راجع به حضرت ابوالفضل (سلام‌الله‌علیه) صحبت می‌شود، بنا کنند از چشم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن، مثلاً: «قربون چشمت بشم!» مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟! مگر ارزش ابوالفضل به چشم‌های قشنگش بوده [است]؟! اصلاً شما مگر ابوالفضل را دیده‌اید و می‌دانید چشمش چگونه بوده [است]؟! این‌ها سطح معارف دینی ما را پایین می‌آورد. معارف شیعه در اوج اعتلاست. معارف شیعی ما معارفی است که یک فیلسوف در غرب پرورش‌یافته با مفاهیم غربی و بزرگ‌شده‌آشنای با معارف فلسفی غرب، مثل «هانری کربن» را می‌آورد [و] دوزانو جلوی علامه طباطبایی می‌نشانند؛ او را خاضع می‌کند و می‌شود مروّج شیعه و معارف آن در اروپا.

می‌شود معارف شیعه را در همه‌ی سطوح عرضه کرد: از سطوح ذهن متوسط و عامی بگیرد تا سطوح بالاترین فیلسوف‌ها. ما با این معارف نباید شوخی کنیم. ارزش ابوالفضل‌العباس به جهاد و فداکاری و اخلاص و معرفت او به امام زمانش است، به صبر و استقامت اوست، به آب‌نخوردن اوست در عین تشنگی و بر لب آب؛ بدون اینکه شرعاً و عرفاً هیچ مانعی وجود داشته باشد! ارزش شهدای کربلا به این است که از حریم حق، در سخت‌ترین شرایطی که ممکن است انسان تصورش را بکند، دفاع کردند. انسان حاضر است در یک جنگ بزرگ و مغلوبه برود و احیاناً در حرارت جنگ کشته هم بشود که البته مقام خیلی والایی است. همه هم حاضر نیستند. شهدا و مجاهدان فی‌سبیل‌الله معدودند. در زمان ما هم بحمد‌الله شهدای برجسته‌ای داشته‌ایم؛ اما شهیدشدن این‌طوری در آن میدان جنگ، با شهیدشدن در صحنه کربلا، با آن غربت، با آن فشار، با آن تشنگی، با آن تهدید به اذیت و آزار کسانِ انسان، خیلی تفاوت دارد! انسان خیلی اوقات می‌گوید من حاضرم در این میدان جانم را بدهم؛ اما چه کار کنم، بچه‌ام دارد از گرسنگی یا از بی‌دارویی می‌میرد. این می‌شود یک بهانه برای انسان. انسان گاهی ملاحظه ناموس خودش را

بیشتر از جانش می‌کند، ملاحظه بجه شیرخوارش را بیشتر از جانش می‌کند. انسان در این میدان برود، بجه شیرخوارش هم باشد، زنش هم باشد، مادرش هم باشد، ناموسش هم باشد، همه این‌ها هم در معرض خطر قرار بگیرند و پایش نلرزد! ارزش ابوالفضل، ارزش حبیب‌بن‌مظاهر، ارزش جُون در این‌هاست؛ نه در قد رشیدش یا بازوی پیچیده‌اش. قد رشید که خیلی در دنیا هست، ورزشکارهای زیبایی‌اند که خیلی هستند؛ این‌ها که در معیار معنوی ارزش نیست. گاهی روی این تعبیرها تکیه هم می‌شود! حالا یک‌وقت شاعری در یک قصیده سی‌چهل بیتی اشاره‌ای هم به جمال حضرت ابوالفضل می‌کند؛ آن یک حرفی است. ما نباید خیلی خشکی به خرج دهیم و سخت‌گیری کنیم؛ اما اینکه ما همه‌اش بیاییم روی ابروی کمانی و بینی قلمی و چشم خمار این بزرگواران تکیه کنیم، اینکه مدح نشد. در مواردی ضرر هم دارد. در فضاهایی این کار خوب نیست.^۱

۲-۶. استفاده از آهنگ‌های نامناسب

رب‌مظلم‌انزلن: من شنیده‌ام در مواردی از آهنگ‌های نامناسب استفاده می‌شود؛ مثلاً فلان خواننده طاغوتی یا غیرطاغوتی، شعر عشقی چرندی را با آهنگی خوانده [است]، حالا ما بیاییم در مجلس امام حسین و برای عشاق امام حسین، آیات والای معرفت را در این آهنگ بریزیم و بنا کنیم آن را خواندن؛ این خیلی بد است.^۲

۳-۶. استفاده از تعابیر سبک و غیرمتناسب با شأن اهل بیت علیهم السلام

رب‌مظلم‌انزلن: نکته دیگری که بعضی از آقایان بحق اشاره کردند، این است که از برخی تعابیر درباره ائمه علیهم السلام نباید استفاده کرد؛ این‌ها سبک است. برای فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)، آن موجود قدسی والا [و] آن انسان برتر و آن معلم بشر، از آن

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۵ مرداد ۱۳۸۴.

تعبیری که هر شاعری، چه شاعر درست‌وحسابی‌گوی و چه شاعر هرزه‌گوی، برای محبوب و معشوق خودش ذکر می‌کند، نباید استفاده کرد. باید از تعبیرات متناسبی استفاده کرد.^۱

۴-۶. بیان مطالب سست‌کننده ایمان دینی مخاطب

رهبر معظم انقلاب^{منظومه}: مسئله عذاراری‌ها هم که اشاره کردند، مطلب بسیار مهمی است و تا حدود زیادی متوجه به خود ماست. شکی نیست که در مواردی، در عذاراری‌ها حرف‌های غیرواقعی و غلط و خرافی گفته می‌شود؛ لیکن اگر فرض می‌کردیم هیچ حرف غلطی هم به آن معنا بیان نشود؛ اما وقتی حرف صحیح، ولی سست و بدون استناد به یک مدرک درست گفته شود یا حرفی که ایمان مردم را متزلزل کند و در باور مخاطبان نگنجد، گفته شود، این هم مضر است.

امروز ما این‌همه در کشور مسئله داریم. یک منبر تبلیغاتی بسیار مهم عبارت است از همین جلسات حسینی و حسینی‌ها و سینه‌زنی‌ها و دستجات مذهبی. از این منبر، والاترین معارف و فوری‌ترین و لازم‌ترین مطالب را می‌شود بیان کرد؛ اما اگر ما این را به چیزهای موهوم یا موهون مصروف کنیم، به‌هیچ‌وجه مصلحت نیست.^۲

۵-۶. تحریک عصبیت‌های مذهبی

رهبر معظم انقلاب^{منظومه}: یکی از چیزهایی که من به‌خصوص می‌خواهم [روی آن] تکیه کنم، مسئله «انسجام اسلامی» است که ما گفتیم. انسجام اسلامی یعنی عصبیت‌های^۳ بین‌المذهبی مسلمان‌ها نباید تحریک شود. شما نباید کاری کنید که عصبیت آن مسلمان غیرشیعه، علیه شما تحریک شود؛ او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیت شما را علیه خودش تحریک کند. آن‌ها همین را می‌خواهند... معلوم است

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، ۱۸ شهریور ۱۳۸۰.

۲. بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۷ اسفند ۱۳۸۳.

۳. تعصب‌ها.

که وضعیت اختلاف برای آن‌ها بهتر است. در دنیای اسلام، قضیه همین است. آیا مسلمان‌های مصر و اردن و عراق و پاکستان و هند و ترکیه و جاهای دیگر، اگر به خیابان‌ها بیایند و به نفع جمهوری اسلامی شعار بدهند، برای آمریکا بهتر است یا کاری کند که اگر در یک مسئله‌ای ایران اسلامی صدایی بلند کرد، همه این ملت‌ها خاموش بشوند [و] بعضی‌ها اظهار مخالفت هم بکنند؟! پیداست دنبال دومی‌اند. چه‌جوری می‌شود؟ چطور ممکن است این کار؟ خیلی آسان است: کاری کنند که عصبیت‌های شیعه و سُنی را زنده کنند. به آن‌ها تفهیم کنند این‌ها شیعه‌اند، این‌ها صحابه را سب می‌کنند، این‌ها مقدسین شما را چنین و چنان می‌کنند. [می‌خواهند] جدایی بیندازند؛ آن‌ها این را می‌خواهند. منادی وحدت شیعه و سُنی، از اولی که این فکرها پیدا شده، این چیزها مورد نظرش بوده است. یک عده‌ای چرا نمی‌فهمند؟! امام بزرگوار ما که منادی اتحاد بین مسلمین بود، از همه این‌هایی که مدعی‌اند، ولایتش و اعتقادش و ارادتش و عشقش به ائمه علیهم السلام بیشتر بود. او بهتر می‌فهمید ولایت را یا فلان آدم عامی که حالا به اسم ولایت، کارهای خلاف می‌کند [و] حرف‌های بی‌ربط می‌زند در مجالس عام و خاص؟! وحدت را حفظ کنید.

اگر دیدید در جامعه، بین شما کسانی هستند که عکس این، رفتار می‌کنند، آن‌ها را طردشان کنید، مخالفت خودتان را به آن‌ها ابراز و اعلام کنید. این‌ها ضرر می‌زنند. ضربه می‌زنند: ضربه‌ای به اسلام می‌زنند، ضربه‌ای به تشیع می‌زنند، ضربه‌ای به جامعه اسلامی می‌زنند. این از جمله مسائل بسیار مهم است.^۱

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.


۷. لزوم تعریف سازوکار برای ساماندهی مداحی



رهبر معظم انقلاب: امروز بحمدالله برادران اشعاری را خواندند که بعضی از آنها، انصافاً و واقعاً اشعار بسیار خوبی بود و این، چیز بسیار باارزشی است؛ البته باید به تدریج طوری بشود که این سمت مداحی که واقعاً یک منصب است، حدود و ثغوری هم پیدا کند. مداحی اهل بیت، خیلی بالاست؛ هم مقام بالا و هم تأثیر زیادی در جامعه و ذهن مردم دارد. باید بدانید که چه کسی مداح است، مقدمات کار مداحی او چیست، چقدر شعر می‌داند، چقدر حفظ است و چقدر می‌تواند بخواند؟ این خصوصیات را باید مرکزی عهده‌دار شود. حالا نمی‌دانم این مراکز مرسوم باید این کار را بکنند یا خود شما به کیفیتی فکرش را می‌کنید. این چیزی است که دنیا و نیازهای جامعه امروز، غیر از آن را بر نمی‌تابد و قبول نمی‌کند. باید این طور باشد. کسانی که رسماً این منصب را به عهده می‌گیرند و لباس مقدس ستایش اهل بیت علیهم‌السلام را بر تن می‌کنند و مردم، آنها را به این عنوان می‌شناسند، بایستی خصوصیتی داشته باشند و مرکزی باشد که آنها را با این خصوصیات تشخیص بدهد و صحنه بگذارد. امیدواریم که خدای متعال به شما توفیق بدهد.^۱


۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ۲۸ دی ۱۳۶۸.





۸. اخلاق مداحی

۸-۱. کسب شایستگی انتساب به اهل بیت



 برادران عزیز، آنچه ما وظیفه داریم، این است که خود را شایسته انتساب به آن خاندان کنیم؛ البته منتسب بودن به خاندان رسالت و از جمله وابستگان آن‌ها و معروفین به ولایت آن‌ها بودن، دشوار است. در زیارت می‌خوانیم که: «ما معروفین به دوستی و محبت شما هستیم». این وظیفه مضاعفی را بر دوش ما می‌گذارد.

... ما باید خودمان را به این مرکز نور نزدیک کنیم و نزدیک شدن به مرکز نور، لازمه و خاصیتش، نورانی شدن است. باید با عمل و نه با محبت خالی، نورانی بشویم؛ عملی که همان محبت و همان ولایت و همان ایمان، آن را به ما املاء می‌کند و از ما می‌خواهد. با این عمل، باید جزو این خاندان و وابسته به این خاندان بشویم. این طور نیست که قنبر در خانه علی  شدن، کار آسانی باشد. این گونه نیست که «سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلُ الْاَلْبَيْتِ»^۱ شدن، کار آسانی باشد. ما جامعه موالیان و شیعیان اهل بیت ، از آن بزرگواران توقع داریم که ما را جزو خودشان و از حاشیه‌نشینان خودشان بدانند: «فلان ز گوشه‌نشینان خاک درگه ماست». دلمان می‌خواهد که اهل بیت درباره ما این طور قضاوت کنند؛ اما این آسان نیست، این فقط با ادعا به دست نمی‌آید. این، عمل و گذشت و ایثار و تشبّه و تخلّق به اخلاق آنان را لازم دارد.^۲

 این همه فضایل، بیهوده به دست نمی‌آید: «يَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنِكَ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجِدْكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً»^۳ خدای متعال، زهرای

۱. از امام علی  روایت شده است که پیامبر اکرم  فرمودند: «سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلُ الْاَلْبَيْتِ؛ سلمان از ما اهل بیت است» (محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق )، عیون اخبار الرضا ، ج ۲، ص ۶۴).

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا ، ۵ دی ۱۳۷۰.

۳. امام باقر  فرموده‌اند: «اگر بر سر قبر... فاطمه  رفتی، بگو: 'ای امتحان‌شده‌ای که خداوند، قبل از آنکه تو را بیافریند، امتحان کرد و تو را برای آنچه امتحان کرد، صابر دید» (محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۰).

اطهر، این بنده برگزیده را آزمود. دستگاه خدای متعال، دستگاه حساب و کتاب است؛ آنچه می‌بخشد، با حساب و کتاب می‌بخشد. او، گذشت و ایثار و معرفت و فداشدن این بنده خاص خود را در راه اهداف الهی می‌داند؛ لذا او را مرکز فیوضات خود قرار می‌دهد.

ما باید این راه را برویم. ما هم باید گذشت کنیم، ایثار کنیم، اطاعت خدا کنیم، عبادت کنیم. مگر نمی‌گوییم که «حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا»؟ این قدر در محراب عبادت خدا ایستاد! ما هم باید در محراب عبادت بایستیم. ما هم باید ذکر خدا بگوییم. ما هم باید محبت الهی را در دلمان روز به روز زیاد کنیم. مگر نمی‌گوییم که با حال ناتوانی به مسجد رفت تا حقی را احقاق کند؟! ما هم باید در همه حالات تلاش کنیم تا حق را احقاق کنیم. ما هم باید از کسی نترسیم. مگر نمی‌گوییم که یک‌تنه در مقابل جامعه بزرگ زمان خود ایستاد؟! ما هم باید همچنان که همسر بزرگوارش فرمود: «لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ»،^۲ از کم‌بودن تعدادمان در مقابل دنیای ظلم و استکبار نترسیم و تلاش کنیم. مگر نمی‌گوییم که آن بزرگوار کاری کرد که سوره دهر درباره او و شوهر و فرزندان او نازل شد؟! ایثار نسبت به فقرا و کمک به محرومان، به قیمت گرسنگی کشیدن خود: «وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۳ ما هم باید همین کارها را بکنیم.

این نمی‌شود که ما دم از محبت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) بزنیم، درحالی‌که آن بزرگوار برای خاطر گرسنگان، نان را از گلوی خود و عزیزانش، مثل حسن و حسین (علیهم‌السلام) و پدر بزرگوارشان علیه‌السلام برید و به آن فقیر داد: نه یک روز، نه دو روز؛ [بلکه]

۱. ابن شهر آشوب از حسن بصری نقل کرده است: «مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدَ مِنْ فَاطِمَةَ كَانَتْ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا؛ در بین این امت، هیچ‌کس عابدتر از حضرت فاطمه علیها‌السلام نبود. او آن قدر به نماز می‌ایستد که از شدت قیام، پاهایش ورم می‌کرد» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۴).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱.

۳. «کسانی که دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند؛... رستگاران هستند!» (حشر، ۹).

سه روز! ما می‌گوییم پیرو چنین کسی هستیم؛ ولی ما نه فقط نان را از گلوی خود نمی‌بریم که به فقرا بدهیم، اگر بتوانیم، نان را از گلوی فقرا هم می‌بریم!^۱

رهبر معظم انقلاب: ما باید شایستگی خود را ثابت کنیم. مگر نمی‌گوییم که جهیزیه آن بزرگوار چیزهایی بود که انسان با شنیدن آن‌ها اشکش جاری می‌شود؟! مگر نمی‌گوییم که این زن والامقام، برای دنیا و زیور دنیا هیچ ارزشی قائل نبود؟! مگر می‌شود که روزبه‌روز تشریفات و تجمل‌گرایی و زورزیور و چیزهای بوج زندگی را بیشتر کنیم و مهریه دخترانمان را زیادتر نماییم؟!

... حالا چرا این حرف‌ها را به شما گفتم؟ چون شما مداحید و باید بروید این حرف‌ها را در مدح‌هایتان، در مجالس فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) به مردم بگویید؛ والا شماها که معلوم است وضعتان چطوری است. این‌ها را درباره فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) بگویید. با آن ذوق و هنر و صدای خوش و لحن مطلوب و کیفیت جذاب خوانندگی خودتان، کاری کنید که دل‌های ما مستمعان به این حقایق نزدیک شود. اگر فرض کنیم که ما ابیاتی در مقامات معنوی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) بخوانیم که مستمع ما چیزی هم از آن نفهمد و سر در نیآورد، معلوم نیست که او را به فاطمه زهرا نزدیک کند. لازم است ما روزبه‌روز به این خانواده نزدیک‌تر بشویم. ملت ما از این طریق خواهد توانست به رسالت خود عمل کند. این ملت این‌طوری می‌تواند آن پیام بزرگ را به دنیا برساند.^۲

۸-۲. نوآوری در امتداد شیوه پیش‌کسوتان

رهبر معظم انقلاب: به جوان‌ها توصیه می‌کنم شیوه‌های پیش‌کسوت‌ها را به کلی کنار نگذارند؛ دست نکشند. من با نوآوری موافقم. نوآوری هیچ‌اشکالی ندارد؛ اما اگر بخواهید در این نوآوری کمال پیدا کنید، بایستی این نوآوری در امتداد شیوه گذشتگان باشد.

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۵ دی ۱۳۷۰.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۵ دی ۱۳۷۰.

«العلی محظورة الا علی من بنی فوق بناء السلف»؛ یک طبقه ساخته‌اند، شما روی آن طبقه، یک طبقه بسازید، دیگری بیاید روی آن طبقه شما یک طبقه بسازد؛ آن وقت بنا می‌شود مرتفع؛ و الا [اینکه] یکی ساخت، شما بیایی خراب کنی [و] یک طبقه بسازی؛ یکی دیگر بیاید آن را که شما ساختی، خراب کند [و] باز یک طبقه بسازد؛ همیشه همان یک طبقه خواهید ماند. محسنات اساتید، پیش کسوت‌ها و کسانی را که در این کار، از شما یک پیراهن بیشتر پاره کرده‌اند، یاد بگیرید و چیزی بر آن اضافه کنید. [اگر] شیوه‌های جدید، این جوری درست بشود، خوب است.^۱

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، ۱۴ تیر ۱۳۸۶.